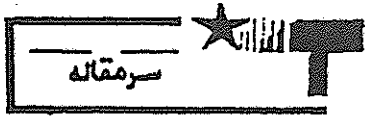


اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیام مسلحانه

راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ

در صفحه ۳



جنگ

و

گسست در هیئت حاکمه

سران مرتجع جمهوری اسلامی، که یکی از مخوف ترین و بی سابقه ترین رژیم های خشونت بار در سراسر جهان را در میهن ما برقرار نموده اند، هر روز بر سیاست های جنگ طلبانه خود ابعاد تازه ای می بخشند و برداشته آن جنون آسایش می افزایند. مرتجعین در آستانه آغاز هفتمین سال جنگ ارتجاعی، با هدف بیرون رفتن از بن بست ادا شده در جنگ و برای بقا، و نجات خود، جز تشدید و گسترش جنگ، راهی درمفحه ۲

تجربه نشان داد که تنها سرنگونی رژیم کافی نیست، بلکه مهم تر از آن قدرت سیاسی است که باید در دست توده های مردم قرار بگیرد تا با ردیگر مرتجعین زمام امور را در دست بگیرند و بر مقدرات مردم حاکم نشوند. ما برای این مسئله، به همان اندازه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تاکید میکنیم، چرا که از هم اکنون مرتجعین در کمین نشسته اند تا با سرنگونی جمهوری اسلامی، دوباره قدرت را را بدست بگیرند.

برای پایان بخشیدن به جنگ و دست یابی بیک صلح دمکراتیک، برای پایان بخشیدن به تمام مآلشی که رژیم جمهوری اسلامی به بار آورده است، یک راه در برابر شما قرار گرفته است. قیام مسلحانه.

طبقه کارگر و مسئله ملی!

میورزد، و خود را با عیار ت پر داری های بی مقدار مشغول میدارد، مشت خود را بیشتر باز میکند و به تناقض گوئی آشکار نهیز دچار میشود. تلاشهای توجیه گرایانه نویسندگان مقاله، نه تنها به آنها کمکی نمیکند، بلکه بیش از پیش عمق انحراف نظری و اکتونومیسیم ریشه دار این جریان رفرمیست را برملا میسازد.

با زتاب سیاست های عمومی راه کارگر به که همواره در فکر "مبارزه ای ممکن" برای "پیشروی ممکن" و دنبال "خواست ممکن" بوده است - در کردستان، دنباله روی (رک) وقناعت و شعار طرح شده از درمفحه ۶

ریکای کریکا رنماره ۴۶ ارکان "کمیته کردستان. راه کارگر" منتشره در مرداد ماه، طی مقاله ای تحت عنوان "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، خود مختاری خلق کرد و کمونیست ها"، اوج در هم اندیشی و اغتشاش فکری خود را بنمایش گذاشته است. نویسندگان (رک) تمام تلاش خود را بکار بسته اند تا با کلی بافی مبهم گوئی و تجرد اندیشی، سیاست پرولتری در قبال مسئله ملی را مخدوش سازند تا شاید بتوانند با تکیه بر تحریفات و ارائه درک نازل از مسائل، رفرمیسم و دنباله روی خود را توجیه نمایند. (رک) در این میان اما هر قدر بیشتر اهتمام

عملیات کربلا

و

تشدید فشار برای اعزام اجباری به جبهه ها!

در آستانه هفتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق، رژیم جمهوری اسلامی، در پی تلاشهای گسترده جهت تدارک یک تنها جم بزرگ در جبهه ها، جنون جنگ طلبی اش را دهها بار افزایش داده است. رژیم که با انجام "عملیات کربلا" در جبهه های مهران و جنوب یکبار دیگر مذهب تن را در مهلکه مرک و نیستی قربانی نموده، همچنان بر فشارهای خود برای اعزام اجباری جوانان به جبهه ها ادامه میدهد. اما در مقابل اعتراض علیه رژیم و بر ضد جنگ و خود داری کارگران و زحمتکش از رفتن به جبهه ها، تا مین نیروی انسانی را بیک از معضلات اصلی رژیم مبذل نموده است.

ارگانهای ستمگر جمهوری اسلامی در کردستان نیز همچنان با حربه ها، درمفحه ۹

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش توده ای

۱۵

گرامی باد

نخستین پیروزی خلق ویتنام ۲۰

گرامی باد خا طره شهدای

شهریور ماه سازمان در کردستان ۲۲

کشته وزخمی را پیروزی و پایان کار صدام قلمداد نمودند و برای بسیج هر چه بیشتر نیرو و زمینه چینی حملات بعدی به این تبلیغات ادامه دادند. رفسنجانی شهرپور را سال را با سال پیش متفاوت خواند و گفت که امسال همه باید به سوی جبهه ها بروند! شانزدهم شهریور، هیئت دولت با اختصاص مبلغ با زهم بیشتری به هزینه های جنگی بر اهداف توسعه طلبانه رژیم پاید فشرده و سختگویی سپاه پاسداران در همین روزها، طی محامیه های آمادگی ستادهای پشتیبانی و "توراهای نظامی" سراسر کشور را اعلام کرد و مطرح ساخت که تا پایان شهریور ماه امسال، تمام نیروهای پانصدگرددان رزمی عازم جبهه های شمر میشوند. ارگانهای رژیم با صدور اطلاعیه های پی در پی و تحت فشار قراردادان کارگران و زحمتکشان، دانش آموزان و کارمندان و غیره، از آنها میخواستند تا به جبهه های جنگ روانه شوند. فرماندهان پایگاههای نواحی استان کردستان در گرد هم آشی بیست و ششم شهریور ماه قطعنامه ادامه جنگ صادر میکنند و آمادگی پانزده گردان رزمی تکمیل شده را برای شرکت در جبهه ها و ادامه کشتار اعلام میدارند. واحد بسیج سپاه از دا و طلبین ورودیه دانشگاه میخواهد که هر چه زود تر خودشان را به سپاه پاسداران معرفی کنند، تا ترتیب اعزام آنها به جبهه ها داده شود و همزمان "وزارت آموزش عالی" بر اساس مصوبه شورای عالی فرهنگی برای ترغیب و تحمیل افراد به رفتن به جبهه ها، شانس قبولی این افراد را سه برابر سایر دا و طلبین میخواند. سران رژیم "کنگره بین المللی بررسی جنگ" را ابداع میکنند و به نمایش رژه نیروها سرگوبگردن شهرها میپردازند، هفته جنگ را بزرگ میکنند و در تکمیل این ترفندها فشارهای بی حد و حصر رژیم بر توده ها و گسترش ابعاد سربازگیری اجباری، مویسد این مسئله است که رژیم برای دستیابی به اهداف ارتجاعی خود، تداوم جنگ ارتجاعی به هر قیمت را همچنان در دستور کار خود دارد.

اما تداوم جنگ ارتجاعی و ابعاد جدیدی که رژیم بآن بخشیده است، هیچ یک از اهداف ارتجاعی او را برآورده در صفحه ۱۰

جنگ

و

گسست در هیئت حاکمه

را با گسیل امواج انسانی همزمان در طول جبهه (شمال و جنوب) آغاز کرد و حول آن نیز به تبلیغات پرداخته و اقدامات پر داخت رژیم با حمله به حاج عمران و تشدید حملات خود در جبهه فام و تصرف یک اسکله از کار افتاده، مقدمه حملات بعدی و گسترده تر خود را فراهم ساخت. تعرضات جدید رژیم تحت عنوان عملیات کربلای ۲ و کربلای ۳ هر چند که در کلیت خود در ادامه سیاستهای عمومی رژیم و در رابطه با تعدیل بحران و یانجات از سقوط انجام میگیرد، اما همزمانی این حملات با کشتایش اجلاس سران کشورهای "غیر متعهد" مبین اهداف دیگر رژیم نیز هست. رژیم بر آن بود تا با این حملات در آستانه برگزاری کنفرانس، هویت خود را بعنوان قدرت فائقه و ژاندارم منطقه به جهانیان و به امیرالیهت ها نشان دهد. تشدید تعرضات توسعه طلبانه و دام زدن به تمایلات پان اسلامیتی در این مقطع تجلی این هدف بود. کشتایش اجلاس سران کشورهای "غیر متعهد" همان عرصه ای بود که رژیم قصد آن داشت تا از آن طریق خود را بعنوان یک قدرت برتر به نشان دهد. اما این خواست و هدف رژیم و دام زدن به تمایلات توسعه طلبانه اگر در عرصه خارجی با تشدید جنگ و لشکرکشی های جدید آغاز شد که در ادامه خود در شمال و جنوب دامنه وسیعتری بخود گرفت، در عرصه داخلی همانا تشدید سرکوب توده ها و کشتار کارگران و زحمتکشان و موج اعدامهای بی وقفه زندانیان سیاسی و گسترش و تشدید جوتور و خفقان، با هدف تثبیت و تحکیم موقعیت متزلزل رژیم در جامعه بود. توسل به سرکوب و سرنیزه در سیاست داخلی رژیم، در انطباق با سیاست خارجی رژیم مبنی بر جنگ افروزی، کشتار و سرنیزه است.

کربلای ۲ و ۳ استراتژی جدید جنگی رژیم که بازتاب تعمیق بحران اقتصادی سیاسی و رشد تفادهای درونی آنست، موج تبلیغات بی وقفه سران رژیم را بدنبال داشت، آنان پیرامون با اصطلاح پیروزیها کسب شده، هیا هویر پیا کرده و هزاران

پیش پای خود نمیبینند. تشدید بحران موجود، و اوضاع به غایت رقت بار اقتصادی که تشدید جنگ نیز بر دامنه آن بطور بیسابقه ای افزوده است، تنفر عمیق توده ها نسبت به جنگ و دام زدن زندگان آن را برانگیخته است و تظاهرات و اعتراضات علنی و آشکار علیه جنگ و علیه رژیم بیش از پیش امکان بروز یافته است.

چنین تصویری از مجموعه اوضاع و شرایط، بر خود حکومت گران نیز پوشیده نیست. سران رژیم همه از موقعیت حساس و شرایط حساس و غیره سخن میگویند. تحولات قریب الوقوع اجتماعی را پیش بینی نموده و از هم اکنون خطر خیزش توده های انقلابی را بخوبی احساس کرده اند. از این رو همه تلاش خود را بنکار گرفته اند تا پیش از آنکه آن لحظه فرا برسد، با توسل به شیوه های مختلف و با کسب پیروزیهای هر چند کوچک و موقت در جنگ، حیات بی ثبات خود را موقتاً نجات بخشند. حال آنکه مجموعه سیاستهای متخذه در رابطه با تداوم جنگ، تفادهای اجتماعی را هر چه بیشتر فشرده تر ساخته و با متراکم کردن این تفادهای لحظه انفجار آتی را نزدیک تر میکند.

در حالیکه تشدید اوضاع و خامت بار اقتصادی و اشارات مخرب آن، زندگانی توده ها را بیش از پیش با مشکلات و دشواری های متعدد و روبرو میسازد، سران رژیم و از جمله رضائی فرمانده سپاه پاسداران، سال جاری را سال تعیین سرنوشت جنگ میخواهند و در ورژیم در قبال چنین وضعیت فلاکت بار اقتصادی و چشم انداز خیزشهای توده ای از زبان رفسنجانی اینگونه بیان میشود:

"راه حل مناسبی که ما تشخیص دادیم اینست که ما هم بگونه ای حرکت کنیم که قبل از آنکه فشار اقتصادی بخواهد اثر خودش را بکند ما جنگ را تمام کنیم!"

چنین است که تعیین تکلیف نهایی مسئله جنگ و توسل بیش از پیش رژیم به گسیل امواج انسانی به جبهه ها در دستور قرار میگیرد. تعجیل جمهوری اسلامی در کسب حداقل پیروزیهای جزئی و موقت در همین رابطه یعنی حفظ حیات بی ثبات رژیم است.

بدنبال این سیاست و برای تعیین تکلیف نهایی جنگ، رژیم تعرض جدید خود

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل کنیم



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیام مسلحانه

راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

شش سال از هنگامیکه جنگ همه جانبه دولتهای ایران و عراق آغاز گردید، گذشت. جنگی که جز سیه روزی و بیدبختی، کشتار و ویرانی، فقر و خانه خرابی، و دهها مصیبت اجتماعی دیگر نتیجه ای برای توده های مردم ایران و عراق در پی نداشته است. آنچه که طی این شش سال بر مردم دو کشور ایران و عراق گذشته است، عمق فاجعه ای را که این جنگ ارتجاعی به بار آورده است نشان میدهد. تعداد کشته شدگان، مفقودین و معلولین از مرزیک میلیون گذشته است. میلیونها تن از توده های مردم این دو کشور بی علت ادامه جنگ، خانه و کاشانه خود را از دست داده، از شهرها و روستاهای خود رانده شده و آواره و در بیدرگشته اند. بخش عظیمی از این مردم از هستی باقی مانده به صورت آوارگان جنگی، در اردوگاههای فقر و بیدبختی تلنبار شده و در بدترین شرایط معیشتی و بهداشتی بسر میبرند. صدها هزار خانواده داغدار و محیبت دیده، به سوگ عزیزان از دست رفته خود نشسته اند. جنگ تعداد زیادی از شهرها و روستاها، مراکز اقتصادی و بخش عظیمی از ثروت های ملی دو کشور را که ارزش آنها حدود ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است، بکلی ویران و نابود کرده است. این جنگ هم ساله میلیاردها دلار هزینه، به مردم ستم دیده این دو کشور تحمیل نموده و طی شش سال گذشته این هزینه ها متجاوز از ۴۰۰ میلیارد دلار شده است.

جنگ شش سال تمام، نوم توده های مردم ایران و عراق را در تشویش و بیم، دلپره و اضطراب قرار داده است. هر لحظه اضطراب و تشویش ناشی از بسیاری از، شوک باران و کلوله باران، هر لحظه بیم و دلپره ناشی از، از دست دادن فرزند، شوهر، برادر، و پدری که در جبهه های جنگ است، چون کابوسی وحشتناک بر فراز سر مردم ایران و عراق قرار داشته است. اما، نتایج فاجعه بار این جنگ به آنچه که گفته شد، محدود نیست. جنگ، اقتصاد ایران را به ویرانی تمام و کمال سوق داده است. طی شش سال گذشته پیوسته وضعیت اقتصادی جامعه به وخامت گرایده و بحران اقتصادی تشدید شده است. بسیاری از کارخانه ها و موسسات تولیدی بکلی تعطیل شده و در تعدادی دیگر تولید به حداقل ممکن کاهش یافته است. کشاورزی با وضعیت وخیمی روبه روست و تولید محصولات کشاورزی، در بسیاری موارد کاهش یافته است. وضع چنان وخیم است که حتی ابتدائی ترین نیازهای مردم هم از طریق واردات تامین میگردد. کمبود کالاهای اساسی و نیازهای عمومی مردم در همه جا محسوس است. فشار بسیار این بحران اقتصادی و وخیم تر شدن روزافزون آن، بردوش توده های مردم ایران قرار دارد. با تعطیل روزافزون کارخانه ها و موسسات مختلف، مداوماً تعداد بیشتری از کارگران بیکار شده و به ارتش عظیم بیکاران پیوسته اند. دهقانان نیز که تحت تاثیر تشدید بحران اقتصادی به حور روزافزونی خانه خراب شده اند، به این ارتش بیکاران پیوسته اند. هم اکنون تعداد بیکاران از مرز ۴ میلیون تن گذشته است. این جمعیت چند میلیونی در مرز گشای هستند که حتی ارتقا بین حداقل معیشت خود را نداشته اند و محرومند و با فقر و سیاه روی هولناکی دست یگریبانند.

قیمت کالاهای چند سال ادامه جنگ، مداوماً افزایش یافته است. هر روز و هر ساعت، بر قیمت کالاهای افزوده شده است. روزی نمیگذرد که بر قیمت مایحتاج عمومی مردم افزوده نگردد. فشار این تورم افسارگسیخته سیر قبل از همه بردوش توده های مردم ایران، بویژه کارگران قرار دارد، که دستمزد ناچیز آنها ثابت مانده است. این فشار بعدی است که دیگر توده های مردم قادر نیستند با دستمزد و حقوق ناچیزی که دریافت میکنند، حداقل مایحتاجی را که برای گذران یک زندگی معمولی لازم است، تأمین کنند. بسیاری از خانواده های رحمتکشان حتی قادر به خریدن گوشت و برخی مواد غذایی دیگر نیستند. این فشارهای عظیم ناشی از بحران اقتصادی، به همراه تحمیل هزینه های ناشی از جنگ برگردیده رحمتکشان، زندگی را به حد غیر قابل تحملی رسانده است. ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی هزینه های سرسام آور جنگ را مستقیم و غیر مستقیم بردوش توده های مردم ایران قرار داده است. بخشی از این هزینه ها از طریق ارتش اضافی ناشی از تولید شفت، که کارگران آفریننده آن هستند و بخشی دیگر بویژه از طریق مالیاتهای غیر مستقیم اخذ میشود. طی شش سال گذشته، مداوماً سربازان مالیاتها افزوده شده است و سربازان خود سران رژیم، پرداخت کنندگان اصلی این مالیات کارگران، دهقانان، حرد تولید کنندگان و کسبه جزء، و حقیر کسبان دین شده اند. اما دولت تنها به اخذ مالیات اکتفا نکرده بلکه سالی سر مستقیم و غیر مستقیم، بارور و بیدادگر را بر مردم کرده است. مرصا نخبه دار

استمزدکارگران بعنوان کمک به جبهه های جنگ کسر شده ، مزایای مختلف آنها حذف شده و بر شدت استثمار کارگران افزوده گشته است .
با همه این فشارهایی که به مردم ایران وارد شده است و انبوه فجایع و مصادیقی که جنگ بسیار آورده است ، هنوز هم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ، این پاسدار نظام سرمایه داری و ارتجاع مذهبی ، این مظہر ستمگری ، جیل ، خرافات و جنگ ، برادامه جنگ پای می فشارد و شمار ادا مه جنگ تا پیروزی راسر میدهد .

جنگ زندگی را بر مردم ایران تباہ کرده است ، اما مرتجعین حاکم بر ایران ، بخاطر مقاصد جاه طلبانه و توسعه طلبانه و منافعی که از این جنگ ارتجاعی عایدشان شده است ، به ادا مه جنگ کمر بسته اند . فجایع چند سال گذشته کافی نیست ، رژیم جنگ طلب سب جمهوری اسلامی در تدارک یک حمله نظامی دیگرو فجایعی عظیم ترا ز گذشته است . جمهوری اسلامی تدارک کشتار عظیم توده های مردم ایران و عراق را میبیند و برای تحقق این نقشه شوم خود ، از هم اکنون بر شدت فشار بر مردم افزوده است . فشار هزینه های جنگ را خرجه بیشتر و مستقیم تر بر دوش توده ها انداخته است . هزینه های جنگ را افزایش داده است و بازور و شنید مردم را گروه گروه به جبهه های مرگ و نیستی میفرستد و هر کس را که از رفتن به جبهه های جنگ سر باز زند ، به زندان می افکند .

این سیاست جنگ طلبانه و دمدمنشانه ، ذاتی رژیم است که در همه عرصه ها ، سیاستهای فدخلتی ، ارتجاعی و ضد انقلابی خورابه نمایش گذاشته است . رژیمی که با سلب ابتدائی ترین حقوق مردم کوی سبقت را از همه رژیم های ارتجاعی و فاشیستی ربوده است و با برقراری یک دیکتاتوری غریان و عنان کسخته و سرکوب بیرحمانه ، حقوق دیمکراتیک و آزادیهای سیاسی را بکلی از مردم ایران سلب نموده ، دهها هزار تن از انقلابیون ایران را بجرم دفاع از سوسیالیسم ، دمکراسی و آزادی به جوخه اعدام سپرده و بسا در سباهالهای قرون وسطائی خود به بند کشیده است .

این رژیم ، اقلیت های ملی ، مذهبی و قومی را از حقوق ابتدائی شان محروم نموده و به آزار و سرکوبی مهابای آنها دست زده است . زنان ایران راحتی از حقوق انسانی محروم نموده و ستم و تبعیض بر پایه جنسیت را بحدی رسانده که بازنان به مثابه برده و انسان ناقص العقل برخورد میکنند . جمهوری اسلامی ، مراکز آموزشی ، مدارس و دانشگاهها را به مراکز آموزشی خرافات تبدیل نموده است . این رژیم هر مطالبه برحق و هر اعتراض عادلانه کارگران و دهقانان را با سرکوب پاسخ داده است . در اثر اعمال سیاستهای بنفایت ارتجاعی خود فقر و فلاکت عظیمی را بر همه جا حاکم کرده است . بی جهت نیست که امروزه در ایران ، فقر ، جنایت ، فحشاء ، دزدی و اعتیاد ابعاد فاجعه باری بخود گرفته است . فقر و بدبختی سراسر ایران را فرا گرفته است . هر روز بر تعداد گدایان و ولگردان افزوده میشود ، فحشاء ، بنحوبی سابقه ای رشد کرده است . هیچگاه تاکنون اعتیاد تا این حد رواج نداشته است . آمار ی که پلیس رژیم منتشر ساخته است ، نشان میدهد که همه روزه بر تعداد جوانانی که بخاطر فقر و استیمال به دزدی ، اعتیاد ، فحشاء و مفاسد اجتماعی دیگرو روی میآورند ، افزوده میگردد .

چه کسی جز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم بر ایران مسئول این همه مصادیق و تباہی اخلاقی و معنوی است ؟ این مصادیق و مفاسد نتیجه جبری اجتناب ناپذیر نظام سرمایه داری و سیاستهای فوق ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی میباشد . روشن است ، رژیمی که سیاست داخلی اش در همه عرصه ها ارتجاعی و ضد انقلابی است ، در سیاست خارجی نیز سیاستی ارتجاعی را پیش میبرد . جمهوری اسلامی همانگونه که در سیاست داخلی به سرکوب و اختناق متوسل شده است ، جنگ را نیز به ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی خود بدل کرده است . از همین روست که جنگ طلبی جز لاینفک سیاست خارجی آن محبوب میگردد .

رژیم جمهوری اسلامی بعلت خملت مذهبی اش ، مدافع پان اسلامیم ارتجاعی و توسعه طلب است و میکوشد ا طریق جنگ ارتجاع مذهبی اش را مارد کند . بنا بر این علیرغم نفرت و انزجار توده های مردم از ادا مه جنگ ، باز هم جنگ را ادا مه میدهد و بر شدت آن میافزاید . جنگی که تماما بنفع سرمایه داران آخوندها و امیرالبیست ها است . تنها کافی است که اشاره شود در اشراد ادا مه جنگ ، امیرالبیست ها میلیاردها دلار از فروش اسلحه به جیب زده اند و برداشته اند مخازن اسلحه و در منطقه خاور میانه افزوده اند اما جز مصادیق بیشتر و فشارهای روز افزون چیزی عاید توده های مردم ایران و عراق نشده است . توده های زحمتکش ایران و عراق که هیچگونه دشمنی با یکدیگر نداشته و ندارند و این جنگ را برخلاف منافع و مصالح خود میدانند خواهان پایان یافتن جنگ اند ، اما رژیم جمهوری اسلامی نه فقط خواهان ادا مه جنگ است بلکه بر شدت مخاصمات جنگی افزوده و در تدارک یک حمله نظامی دیگراست . این حمله باز هم تنها نتیجه اش کشتار تعداد کثیری از زحمتکشان مردم ایران و عراق خواهد بود و مصادیق و بدبختی های ناشی از جنگ را بمعنیاس عظیمی افزایش خواهد داد . توده های مردم ایران با بدبختیهای جدی علیه رژیم برخیزند و اجازه ندهند که بیش از این ، با ادا مه جنگ ، فجایع دیگری بار آورده شود . اگر وضع بر همین سوال باشد ، با گذشت هر روز اوضاع وخیم تر خواهد شد و شرایط دشوار تر و اسف بار تر از امروز در انتظار مردم خواهد بود . مگر آنکه توده های زحمتکش ایران به نبردی آشکار برای سرنگونی رژیم سر خیزند .

کارگران ! دهقانان ! سربازان ! روشنفکران انقلابی !

درنگ جایز نیست . هیچ معجزه ای در کار نخواهد بود . تنها اراده انقلابی شما برای پایان بخشیدن به جنگ ا طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ، تنها قیام و انقلاب میتواند به اس همه مصادیق و فجایعی که رژیم جمهوری اسلامی بسیار آورده است پایان بخشد . این حق عادلانه مردم ایران است که برای پایان بخشیدن به جنگ و دست یابی بیک ملج دمکراتیک ، برای پایان بخشیدن به ستمگریهای بیشتر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به تمام مسلحانه متوسل گردند . بی هیچ تردیدی ، تلفات و مایماتی که در حین این قیام به مردم ایران وارد خواهد آمد ، هزاران بار کمتر از تلفات و فاسدائی است که همه روزه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بر مردم ایران وارد میگردد . قضا توده های مردم ایران که حامل سنت های انقلابی درخشان هستند ، مردمی که همین

چند سال پیش با انقلاب خود، رژیم شاه را با همه قدرت و توان نظامی و سرکوباش و از گون کردند و نظام سلطنتی را به گورستان تاریخ سپردند، سنگ دوام و بقا، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهند کرد و آنرا به همان گورستانی خواهند سپرد که رژیم سلطنتی را سپردند.

دور نیست روزی که توده های مردم ایران، مستمگران حاکم را سرنگون سازند، به جنگ پایان بخشند و یک حکومت دمکراتیک و انقلابی را در ایران برپا دارند. این یگانه راهی است که در برابر زحمتکشان و مردم ایران قرار گرفته است. سازمان ما بعنوان سازمانی که از منافع طبقه کارگر، و از موضع این طبقه از منافع عموم توده های زحمتکش و ستمدیده ایران دفاع میکند، از همان نخستین روز آغاز جنگ بر ماهیت ارتجاعی این جنگ تاکید نمود و در هر گام منافع توده های مردم ایران و عراق نشان داد. امروز نیز پس از گذشت شش سال از آغاز جنگ خطاب به شما توده های مردم ایران تاکید میکنیم که تنها راه نجات از شر فقر و بدبختی، ستم و دیکتاتوری و اختناق، جنگ و ویرانی قیام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و ایجاد یک حکومت دمکراتیک انقلابی است که در آن، قدرت سیاسی در دست کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. تجربه چند سال گذشته، بویژه به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی نشان داد - مادام که قدرت سیاسی در دست توده های مردم قرار نداشته باشد، وضع روز بروز وخیم تر خواهد شد.

تجربه نشان داد که تنها سرنگونی رژیم کافی نیست، بلکه مهم تر از آن قدرت سیاسی است که باید در دست توده های مردم قرار بگیرد تا بار دیگتر مرتجعین رما امور را در دست نگیرند و بر مقدرات مردم حاکم نشوند. ما بر این مسئله به همان اندازه سرگونی رژیم جمهوری اسلامی تاکید میکنیم، چرا که از هم اکنون مرجعین در کسین نشسته اند تا با سرگونی جمهوری اسلامی، دوباره قدرت را بدست بگیرند. روشن ترین نمونه آن سازمان مجاهدین خلق ایران است که میخواهد درست همان نقشی را بازی کند که خمینی و دار و دستا و در حین سرگونی رژیم شاه بر عهده گرفتند. سازمان مجاهدین که به دروغ خود را مدافع مردم و انقلاب معرفی میکند، در واقع امر مدافع حفظ قدرت سیاسی در دست سرمایه داران است. علاوه بر این، علیرغم اینکه جمهوری اسلامی ماهیت ارتجاعی و ضد دمکراتیک هر حکومت مذهبی را به همان نشان داد، با رهم این سازمان خواستار ایجاد یک حکومت مذهبی دیگر بنام "جمهوری دمکراتیک اسلامی" در ایران است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بالعکس، از استقرار یک حکومت انقلابی دمکراتیک در ایران دفاع میکند که در آن قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. دمکراسی شورائی اعمال شود و مردم از طریق شوراهایی که هم بمثابه قوه مقننه و هم اجرائیه عمل میکنند، اعمال حاکمیت نمایند. سازمان ما با هر شکل حکومت مذهبی مخالف است و خواهان جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب میباشد. ما از حکومتی دفاع میکنیم که حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را برسمیت بشناسد. هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت، ملیت و قومیت را ملنی سازد، حقوق اجتماعی برابر زنان با مردان را برسمیت بشناسد و حق ملیتهای تحت ستم کرد، ترک، بلوچ، ترکمن و عرب را در تعیین سرنوشت خویش بپذیرد. ما از یک حکومت انقلابی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران دفاع میکنیم که قادر است گامهای اساسی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی بردارد. یک حکومت انقلابی - دمکراتیک کلیه صنایع و مؤسسات متعلق به سرمایه داران بزرگ و انحصارات بین المللی را مصادره و ملی خواهد کرد. کلیه قراردادهای اسارت با امپریالیستی را ملنی خواهد نمود، مطالبات نوری کارگران از جمله حق ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل بی دربی در هفتاد و یک ماه مرجعی سالانه را متحقق خواهد ساخت. کنترل کارگری بر تولید و کنترل تسوذهای بر توزیع را عملی خواهد نمود، کلیه اراضی و املاک زمینداران بزرگ را بایمنع دهقانان مصادره خواهد کرد، کلیه بدهی های دهقانان به دولت، بانکها، مؤسسات مالی، ملاکین و ربا خواران را ملنی خواهد نمود و اقدامات جدی در جهت رفاه عمومی زحمتکشان، معمول خواهد داشت.

بنابر این توده های مردم ایران باید تجارب گذشته خود را بکار بندند، تنها سرگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک میتواند صلح دمکراتیک و تحقق درخواستهای انقلابی - دمکراتیک مردم را عملی سازد. کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!
برای پایان بخشیدن به جنگ و دست یابی بیک صلح دمکراتیک، برای پایان بخشیدن به تمام مصائبی که رژیم جمهوری اسلامی به بار آورده است، یک راه در برابر شما قرار گرفته است، قیام مسلحانه.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران

شهریور ماه یک هزار و سیصد و شصت و پنج

طبقه کارگرو مسئله ملی!

جانب امثال حزب دمکرات - که همه وقت خود را نماینده خلق کرد معرفی کرده است - یعنی شعار " خودمختاری " می باشد. (ر-ک) که در ظاهر خود را کمونیست میخواند، اما در واقع امر همچون یک ناظر بی طرف ایفای نقش می کند، آسمان و زمین را بهم میبافد تا خواست خلق کرد را در حد همان " خودمختاری " حزب دمکرات جلوه دهد، چرا که این خواست، خواستی " ممکن " بنظر می آید! ، اما بی طرفی او چندان دوام نمی آورد، پراستیک اجتماعی و مبارزه طبقاتی این جریان متزلزل را او میدارد تا جایگاه واقعی خود را روشن کند. در کارزار این مبارزه طبقاتی، خمینی به مشابه هیولائی خوف انگیز جلوه گر میشود و بر پیکر (ر-ک) گرد ترس و وحشت میپاشد. هراس بالفعل و دائمی از ولایت فقیه، (ر-ک) را به محترم شمردن حقوق و قوانین بورژوازی میکشاند و در نهایت او را به تبعیت از سرمایه سوق میدهد. چنین است که نه تنها شعار " حق ملل در تعیین سرنوشت خویش " را معادل همان شعار " خودمختاری " حزب دمکرات میخواند، بلکه تلویحاً به دفاع از طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت بر میخیزد تا همزمان با خاک پا نشین بر چشم توده های خلق کرد، این طرح را خواست زحمتکش آن کرد قلمداد کنند!

ما طی مقاله سعی میکنیم ابتدا به بررسی مشخص و تاریخی مسئله ملی پرداخته و با ارائه درکی مارکسیستی-لنینیستی از این مسئله راه حل صحیح آنرا نیز نشان دهیم و موضع طبقه کارگر را در این زمینه بازگو نمائیم و سپس در شماره های بعدی نشریه، به مقاله سرایا افشاگر چهره (ر-ک) بپردازیم.

کمونیست ها بهنگام تجزیه و تحلیل هر مسئله اجتماعی، به دو چارچوب تاریخی معین حوزه شمول آن مسئله را در نظر میگیرند و چنانچه بررسی یک پدیده اجتماعی در مورد یک کشور مشخص مورد نظر است، خصوصیات مشخص و دوره معین تاریخی این کشور که آن را از سایر مناطق متمایز میسازد مدنظر قرار میدهند. اگر مسئله ملی، همان مسئله اجتماعی

مشخصی باشد که بخواهیم آن را تجزیه و تحلیل کنیم، بی چون و چرا میبایستی دوره های مشخص تاریخی را که از نقطه نظر مسئله ملی از هم متمایزند، روشن سازیم از نقطه نظر جنبش های ملی دو دوره سرمایه داری که بطور اساسی از یکدیگر متمایزند وجود دارد. دوره نخست دوره ورثستگی و فروپاشی فئودالیسم و حکومت های مطلقه است که در عین حال همزمان است با آغاز رشد و شکوفایی سرمایه داری و شکل گیری انقلابات بورژوازمکراتیک. از مشخصه های این دوره، توسعه بازارها و جایگزینی ناگزیر مناسبات تولیدگدانه ب جای شیوه تولید و مناسبات کهنه شده فئودالی است، دورانی که با زارهای داخلی توسط بورژوازی تسخیر میگردد و دولت های سرمایه داری ایجاد میشود. در این دوره، جنبش های ملی توده ای جهت مبارزه در راه آزادی سیاسی و حقوق ملی پدیدار میشوند تا نیازهای بورژوازی در حال رشد یعنی برگسترش هر چه بیشتر مناسبات تولیدگدانه و شکل گیری بازارهای ملی را برآورده سازند. دولت مستقل ملی مناسب ترین شکلی است که با جمع اهالی که دارای زبان و فرهنگ و اقتصاد دوسرزمین مشترکند و تحت عنوان ملت خوانده میشوند، زمینه توسعه مبادلات بازرگانی را فراهم میکند و بستری است مناسب برای تامین نیازهای سرمایه داری که روبه گسترش دارد.

" در تمام جهان دوران پیروزی نهائی سرمایه داری برفئودالیسم با جنبش های ملی توأم بوده است پایه های اقتصادی این جنبش ها را این موضوع تشکیل میدهد که برای پیروزی کامل تولیدگدانه بازاری داخلی باید بدست بورژوازی تسخیر گردد و باید اتحاد دولتی سرزمین هائی که اهالی آنها به زبان واحدی تکلم می نمایند عملی گردد." (لنین - حق ملل در تعیین سرنوشت خویش) بیداری توده ها را خودگی فئودالی و مبارزه آنها علیه ستم ملی، و خواست برابری ملل امری است مترقی و کمونیست ها موظفند از جنبه های مترقی این مسئله به دفاع برخیزند و از باثبات ترین و پیگیرترین عناصر دمکراتیسم در جنبش ملی حمایت کنند. لنین در این مورد میگوید:

" فقط یک راه حل برای مشکل ملی وجود دارد (تا آنجا که بطور کلی این

مسئله دردنیای سرمایه داری، دنیای سوده فشا و استعمار قابل حل است) و آن راه حل دمکراسی پیگیر میباشد. " رفیق استالین نیز با در نظر گرفتن شرایط مشخص و تاریخی روسیه و هنگامیکه انقلاب بورژوازمکراتیک در دستور بود حل مسئله ملی را در چارچوب سرمایه داری چنین تصویر میکند.

" در دوران قبل از نخستین جنگ جهانی، هنگامیکه تاریخ انقلاب بورژوازمکراتیک را در روسیه به مثابه مسئله روزبه میان کشیده بود، مارکسیست های روس حل مسئله ملی را با سرنوشت انقلاب دمکراتیک در روسیه وابسته مینمودند. حزب ما بر آن بود که سرنگون ساختن تزارسم و از بین بردن بقایای فئودالیسم و دمکراسی نمودن کامل کشور بهترین راه حل ممکنه مسئله ملی در چارچوب سرمایه داری است. (مارکسیسم و مسئله ملی - تاکیدازما)

کرایش دیگری که قانون سرمایه داری نیز محسوب میشود، تکامل دمافزن مناسبات بین المللی و فرو ریختن سدهای ملی و ایجاد وحدت بین المللی سرمایه است. دوره ای که بدنبال دوره پیشین میاید، در واقع مبین آنست که سرمایه داری تکامل یافته به حد بلوغ رسیده است و لاجرم به سمت تغییر شکل خود به جامعه سوسیالیستی حرکت میکند. در این دوره پیروست تشکیل دولت های سرمایه داری کامل شده است. صفت مشخصه این دوره که کاملاً زدوره پیشین متمایز است، حضور پرولتاریا بعنوان یک طبقه اجتماعی قدرتمند در عرصه بین المللی وحدت تضادهای آشتی ناپذیر و با بورژوازی است، که برای تعیین تکلیف نهائی در مقابل اوصاف آراشی کرده است. ملل مختلف تحت تاثیر تکامل سرمایه، بیش از پیش بهم نزدیک شده و با جهانی شدن سرمایه، تضادهای آنتاگونیستی میان سرمایه بین المللی و جنبش جهانی کارگری از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار شده است.

کمونیست ها با توجه به دوگرایش مذکور، ضمن پشتیبانی بی قید و شرط از برابری ملل و زبان ها و غیره، هرگونه امتیاری را در این زمینه غیر مجاز میدانند و یک لحظه از مبارزه مداوم و سازشناپذیر علیه آلودگی پرولتاریا به سازشناپذیر بورژوازی و حمایت از

طبقه کارگرو مسئله ملی!

انترناسیونالیسم دست برنمیدارند... حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، همان شعار لنینی و مشخصی است که کمونیست‌ها در این مرحله می‌بایستی در بخش مربوط به مسئله ملی برنامه خود آنرا تبلیغ و ترویج نمایند.

پیدایش انحصارات امپریالیستی که ثمره توسعه و رشد اجتناب‌ناپذیر سرمایه‌داری است و تسلط امپریالیسم بر جهان، نه تنها به ستم ملی‌پایان نداده است، بلکه به میزان زیادی آن را تشدید نیز نموده است. چرا که امپریالیسم به لحاظ سیاسی عبارتست از بسط ارتجاع و نفی آزادی و دموکراسی، و عملکرد آن در جهت نفی استقلال ملت‌ها است.

چنین است که برای مارکسیست‌لنینیست‌ها، مسئله ملی و وظائف جنبش ملی، مثل هر پدیده اجتماعی دیگر در دوره‌های مختلف تکامل جامعه و انقلاب تغییر می‌کند. مسئله ملی و حل آن در هر کشور با پدیده انقلاب و تکامل آن در آن کشور مورد بررسی قرار گیرد، چرا که اساسا مسئله ملی جزء لاینفکی از کل مسئله انقلاب است و حل آن منوط به حل مسئله انقلاب با توجه به مرحله تاریخی و تکاملی جامعه است.

اگر بهترین راه حل ممکنه مسئله ملی در چارچوب سرمایه‌داری (تا آنجا که این مسئله در این چارچوب قابل حل است) یعنی زمانی که هنوز بورژوازی در مراحل اولیه رشد و توسعه است و به فتوایلیسم اعلان جنگ می‌دهد و انقلابات بورژوا - دمکراتیک در دستور است، سرنگونی حکومت‌های مطلقه و ازمیان برداشتن بقایای نظام ارباب رعیتی و دموکراسی نمودن کل کشور است، اما در دوران بعدی یعنی زمانی که طبقه کارگر یگانه مدافع برابری واقعی ملل و دشمن آشتی‌ناپذیر سرمایه که عامل همه و هر گونه نابرابری و ستمگری و از جمله ستمگری ملی است در عرصه بین‌المللی صفوف خود را شمرده ساخته و بالاخره زمانی که

انقلابات سوسیالیستی و یا انقلابات دمکراتیک توده‌ای (در کشورهای تحت سلطه) به مسئله روز تبدیل گشته است، مسئله ملی بی‌هیچ تردیدی با سرنوشت این انقلاب گره می‌خورد و حل قطعی آن و حقوق ملل در تعیین سرنوشت خویش که از هم اکنون به رسمیت شناخته شده است تحت شرایط پیروزی انقلاب به رهبری طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم تأمین می‌شود. اگر در گذشته و در حین تحولات بورژوا - دمکراتیک، جنبش‌های ملی، تکامل سرمایه داری را وظیفه دار بودند، و بورژوازی همراه مردم زحمتکش از جمله در راه آزادی سیاسی، برابری حقوق ملی و خواست دمکراتیک توده‌ها ایفای نقش می‌کرد، امروز که سرمایه‌داری به عالمی ترین مرحله تکامل خود رسیده و مدت‌هاست که آغاز به گندیدگی نموده است، دیگر نه تنها بورژوازی در جای قبلی خود نیست بلکه بطور کامل در مقابل آن ایستاده است، چرا که امروز هیبت و عظمت پرولتاریا و حضور او در سطح وسیع و گسترده بر دل بورژوازی حراس افکنده است.

"هنگامیکه بورژوازی متفقا با مردم و زحمتکشان، بخاطر آزادی مبارزه می‌کرد، از استقلال کامل و حقوق مساوی برای ملت‌ها نیز پشتیبانی مینمود... ولی امروز، بورژوازی از کارگران ملی ترسو و در پی اتحاد با پور شکوچ‌ها و مرتجعان می‌باشد. بورژوازی به دموکراسی خیانت می‌ورزد، از ستمگری و حقوق نابرابر در میان ملل دفاع کرده و کارگران را با شعارهای ناسیونالیستی به فساد می‌کشانند." (لنین - طبقه کارگر مسئله ملی)

در عصر حاضر تنها پرولتاریاست که از آزادی و برابری واقعی ملل و وحدت کارگران تمام ملل پشتیبانی می‌کند. فقط طبقه کارگر است که در یک انقلاب پیروز مند و با کسب قدرت سیاسی و برقراری نظام سوسیالیستی قادر است مسئله ملی را بطور قطعی حل کند، حل مسئله ملی در یک کشوری آنکه پیروزی انقلاب در آن کشور میسر شود، امری است ذهنی و کسانی که به چنین توهمات دامن می‌زنند، گوردلان و کوته فکرائی بیش نیستند که در واقع، امری را مقدم بر پرولتاریا قرار می‌دهند و به ترویج

ایده‌های بورژوانا سیونالیستی مشغولند. برپایه چنین تحلیلی است که کمونیست‌ها با توجه به شرایط مشخص و تاریخی کشور خود میبایستی به امر ملی و مسائل مربوط به آن پاسخ روشن و مشخص ارائه دهند. مادربالا به دو دوره کاملاً متمایز از یکدیگر از نقطه نظر مسئله ملی اشته کردیم، اکنون میبایستی اضافه کنیم که این دوره‌های یاد شده، بصورت خطی از یکدیگر جدا نمی‌شوند و یاری آن دورا از هم مجزا نمی‌کند، بلکه توسط حلقه‌های متعددی انتقالی بهم دیگر مرتبط می‌شوند. از طرف دیگر کشورهای مختلف از لحاظ سرعت تکامل ملی و نیروهای مولده یکسان نیستند. از این رو کلیه این شرایط عمومی تاریخی در یک کشور متمایز میبایستی مورد توجه مارکسیست‌ها قرار بگیرد، در غیر این صورت بخش ملی برنامه کمونیست‌ها با واقعیات عینی تاریخی کشور همخوانی نخواهد داشت.

حال بینیم دوره بندی تاریخی مشخص در مورد ایران چگونه است. کشور ما زمانی که سرمایه‌داری جهانی رونق گرفت، تکاملی خود را طی کرده و به امپریالیسم بدل گشته بود، یعنی در آستانه قرن بیستم (۱۸۸۱) وارد مدار بازاری جهانی سرمایه گردید. صدور سرمایه مالیسی و سلطه جابرا نه استعماری امپریالیسم پروسه انباشت سرمایه را در ایران کند نمود و به عقب افتادگی کشور دامن زد. انقلاب بورژوا دمکراتیک مشروطه، قادر نگشت مواضعی را که مناسبات منسوخ فتوایلی بر سر راه تحول اقتصادی اجتماعی پدید آورده بود از سر راه بردارد و به نظامات قرون وسطایی پایان بخشد. تسلط استعماری امپریالیسم سیر تکامل "آزاد" سرمایه‌داری را در ایران سد نمود. آخرین تلاش‌های جیونانه نمایندگان بورژوازی ملی در اوایل دهه بیست جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و گشودن راه تکامل "آزاد" سرمایه‌داری در ایران نیز به شکست انجامید و رسالت بورژوازی ملی، در تحولات دمکراتیک ایران برای همیشه ازمیان رفت.

تحولات آغاز دهه چهل که با انجام رفرم ارضی و مدور گسترده سرمایه‌های

طبقه کارگرو...

امپریالیستی آغا زگردید، شیوه تولید سرمایه داری را که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالائی مبتنی بر روابط تولید سرمایه داری است بر ایران مسلط کرد. پروسه تسلط این شیوه تولید، بر مبنای رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالائی و نیاز سرمایه های امپریالیستی صورت گرفت و آثار به اقصی نقاط کشور گسترش داد.

رشته تحولات تدریجی این دوره مانع ابقای مناسبات کهنه نگشت. طریقی "راه پروسی" تحول ارضی در ایران تحولی بسیار کند که با دردناک ترین عوارض برای پرولتاریا و دهقانان همراه بوده است، اصلاحات ازبالاتر و ازپایین و مسالمت آمیز و منطبق بر خواست امپریالیسم موجب بقا و تداوم مناسبات ماقبل سرمایه داری در ایران گردید. پروسه گسترش سرمایه داری ازبالاتر یعنی جایگزینی سرمایه داری با نظامات قبلی آن به دلخواه و توسط طبقات حاکم انجام شد. این شیوه تحول ارضی و جایگزینی نظام ها که در سطح بسیار وسیعی به حیثیات بقایای نظامات کهن دوام بخشید، موجب آن گشت تا بسیاری از خواست ها و وظائف دمکراتیک، از جمله مسئله ملی همچنان پابرجا بمانند. با تثبیت بورژوازی در ایران نتوان یک طبقه، نه تنها مسئله ملی حل نشد، بلکه نابرابری های اجتماعی و از جمله ستمگری شدت یافت و با سلطه امپریالیسم مغایر گردید.

کشور ایران یک کشور چند ملیتی است که عموم آنان از جانب بورژوازی ملت فارسی در قالب حکومت های مرکزی تحت ستم قرار داشته اند. با سلطه استعمار و امپریالیسم کلیه ملل ایران از جانب امپریالیسم نیز تحت ستم قرار گرفتند. وجود جنبشهای ملی با خصلت عمیقاً توده ای در ایران، خود گوئی این واقعیت و انعکاس ستمی است که طی سالیان دراز بر آنان اعمال گشته است. جنبش های ملی در کردستان و آذربایجان که در سطح گسترده ای جریان داشت، تا آنجا که حتی در سال ۱۳۲۴ منجر به شکل گیری حکومت های خود مختار در این دو منطقه گردید هر چند که از جانب حکومت مرکزی سرکوب گردید، اما

از آنجا که خواست های دمکراتیک این جنبش ها مستحق نشد، همچنان با شدت و ضغافا ادامه یافته است. بسط مناسبات سرمایه داری در نظام سلطنتی و تسلط کامل و همه جانبه امپریالیسم نه تنها آزادی های سیاسی و خواست دمکراتیک دشمنی ورزید و آن را پایمال نمود، رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیز با حفظ و تحکیم مناسبات استعماری و تکمیل و اتکاء به دستگاه بوروکراتیک نظامی، نه تنها به خواست و حقوق ملت های تحت ستم توجیهی ننمود، بلکه از همان اوایل روی کار آمدن خود، و بنا به ماهیت فوق ارتجاعی اش، به عنان گسیخته ترین شکلی به سرکوب خلقها و ملل تحت ستم پرداخت و خود را ملی مسم در تشدید ستمگری ملی بود. خواست ملی اما علی رغم سرکوبهای خشن و تشدید ستمگری ملی، در مبارزات خلقها، بی آنکه تحقق یابد ادامه یافت و بار دیگر روشن شد که جنبش ملی و حل مسئله ملی، بدون پیوند با جنبش سراسری و انقلاب ایران قابل حل نیست. جنبش های ملی در منطقه و کشورها مختلف و از جمله جنبش خلق کرد در ایران همانطور که تجربه سالیان طولانی مبارزه آنها نشان داده است بدون پیوند با انقلاب هر کشور حل نخواهد شد. برای این اساس، حل مسئله ملی و الفاء هرگونه ستمگری و نابرابری ملی، در گرو پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک توده ای، کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم است. کمونیست ها در دوره کنونی و در شرایط فعلی موظفند، ملت های تحت ستم ایران و بویژه خلق کرد را به درک این اصل خدشناپذیر، رهنمون سازند که مبارزات آنان تنها در پیوند با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان سراسر ایران به پیروزی میرسد و باید در جهت استحکام این پیوند مبارزاتی بیش از پیش تلاش نمایند.

کمونیست ها همچنین در شرایط کنونی با شرکت فعال در مبارزه ملی و سازماندهی مبارزات توده ای، ضمن تبلیغ و ترویج ایده های پرولتری فوق، حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا سرحد جدائی و تشکیل دولت مستقل برای کلیه ملل ساکن ایران را به رسمیت می شناسد. کمونیست ها توصیه جدائی ملل نمیکند، یک برنامه کمونیستی می بایستی این نکته را که منافع طبقه

کارگر و زحمتکشان ملل تحت ستم در آنست که بطور آزادانه و داوطلبانه مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند، مدنظر داشته باشند و خود مختاری وسیع منطقه ای را برای کلیه این ملل به رسمیت بشناسد. الفاء هرگونه امتیاز قومی، فرهنگی و نژادی، الفاء زبان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری از دیگر نکاتی است که پرولتاریای ایران در بخش ملی برنامه خود می بایستی قید نماید.

چنین است فشرده سیاست طبقه کارگر در قبال مسئله ملی.

چنین است روش پرولتاریای انقلابی برای خاتمه بخشیدن به ستمگری و نابرابری ملی و اساساً حل مسئله ملی!

(ادامه دارد)

پیاد صمد

فرهنگ و سیاست رها شیش آینه توده های محروم است. برای صمد بدون شناخت آگاهانه زمینه های اجتماعی زندگی زحمتکشان و قوف به یک چنین امری محال بود، از همین رو او که از اوان زندگی با رنج و فقر و محرومیت دست به گریبان بوده در زندگی واقعی تا بسامانی ها و نیازهای زیستی و روانی زحمتکشان را دریافت و با تبحری شگفت انگیز آرمانهای انقلابی را با اتکاء به مفاهیمی ستیزنده و لسی در قالب کلامهای بی پیرایه و ساده به جامعه انتقال داد و در بین توده ها اشاعه نمود.

صمد که نیروی کار و تلاش های خستگی ناپذیرش را از متن زندگی واقعی بر میگرفت برای این باور نیز بود که بسیاری دیگر گونی و تحولات اجتماعی میبایست انگیزه های عنصر پیشا زدورانی واقعیت زندگی در هم آمیزد و در متن آنها جا می پیوند خورد. از این رو او با وجودی مالا مال از جوهره جاسارت و از خود گذشتگی ابرهای موهوم و تخدیر کننده فرهنگ مبتذل و وارداتی حاکم را از هم درید و با نقشی فعال و بی شائبه و نگرشی ژرف به بنیانهای جامعه و تحولات آن تمامی اش را در زندگی کوتاه ولی پربارش بکار بست تا احساسات و کینه طبقاتی را در

عملیات کربلا

و . . .

تضییقات و اعمال فشارهای بسیار برای به تمکین واداشتن توده‌ها در برابر سیاستهای جنگی رژیم در شهرها و روستاها تلاش می‌ورزند.

در چند سال گذشته اما مقاومت و اعتراضات پی در پی توده‌های خلق کرد علیه سرکشی و بیسیج جنگی رژیم را در کردستان بیش از سایر نقاط ایران با مشکل مواجه گردانیده است.

از همین روستا که امام جمعه جناب تبارک رسن‌نچ در نماز جمعه هفته دوم شهریور ماه، در مقابل اعتراضات توده‌های مردم کردستان و خودداری گسترده آنان از رفتن به جبهه‌ها برای جبهه‌نظران ناگامیهای رژیم به اهمیت بسیج نیرو از کردستان اشاره نمود و گفت: "هر کاروانی که از منطقه کردستان بسوی جبهه‌های جنگ تحمیلی گسیل خواهد شد ارزش معنوی آن ۱۰ برابر ارزش کاروانی است که از دیگر نقاط میهن اسلامی به میدان نبرد ارسال میگردد."

در این رابطه باز هم فراخوانهای پی در پی از سوی ارگانهای سرکوبگر منجمله سپاه پاسداران منطقه کردستان انتشار یافت. باز هم بر تعداد گروههای گشت در شهرها برای دستگیری مشمولین افزوده شد. میدین، اماکن عمومی و گذرگاهها به کنترل درآمد، در فواصل شهرها با زرسی و کنترل شدیدتری انجام گرفت و بالاخره یورش به روستاها همچنان ادامه یافت و باز هم شکل گیری مقاومت، اعتراض و مقابله با سیاست اعزام اجباری گوشه‌ای از رویارویی آشکار توده‌ها با رژیم را به نمایش گذارد.

در شهریور ماه شهرها و روستاهای مناطق مریوان، سنندج، سردشت، و بانیه شاهد یک سری اعتراضات توده‌ای علیه سرکشی و اجباری بود. در این حرکات، توده‌های انقلابی در اشکال مختلف به مقابله با رژیم برخاستند و در مقابل تهدیدات، یورش و محاصره روستاها، دستگیری جوانان... با هوشیاری انقلابی راه را بر یورش و مزدوران سد نمودند. اگر رژیم به تهدید و الدین مشمولین برای معرفی آنان توسل جست، توده‌ها با این وجود به خواست مزدوران تن نداده و

با اعتراض خود آنان را به عقب‌نشینی واداشتند. اگر مزدوران با کنترل سازمان یافته در شهرها به دستگیری جوانان پرداختند، توده‌ها با یاری رساندن به مشمولین، فرار آنان را از چنگ مزدوران تسهیل نمودند، اگر روستاها مورد یورش و محاصره قرار گرفت، جوانان با سرعت از روستاها خارج شده و حربه‌های نیروهای سرکوبگر را نقش بر آب کردند. و در برخی موارد در صورتی که تعدادی دستگیر گردیدند اهالی روستاها مستقیماً برای آزادی آنان اقدام نموده و حتی با سنگ و چوب مزدوران را به عقب‌نشینی واداشتند و جوانان را آزاد نمودند.

در همین رابطه، اهالی روستای "هاله‌دهره" پس از دستگیری جوانان با حرکت دسته‌جمعی ۱۲ نفر از دستگیرشدگان را از بانیه آزاد نمودند و اهالی روستای "ساوان" برای دستگیری ۱۵ نفر از جوانان متحداً با سنگ و چوب مزدوران را مورد تعرض قرار داده و علی‌رغم تیراندازی آنان با ادامه اعتراض موفق گردیدند در ۱۵ نفر از آزاد نمایندگان. در مواردی نیز دستگیرشدگان با اعتراض خانواده‌هایشان در شهر آزاد گردیدند. چنین بود برخی از اقدامات رژیم جهت تشدید سیاست سرکشی و مقابله با توده‌ها با آن.

هم اینک نتایج مصیبت‌بار جنگ بمنابر یک معضل اجتماعی، سایر مشکلات و معضلات زندگی توده‌های مردم ایران را به امری ثانوی مبدل نموده است. نفرت از جنگ و رژیم جمهوری اسلامی نیز به یکی از مشخصه‌های دوران انقلابی کنونی مبدل گردیده است. هنگامیکه رژیم با فشار و سرکوب کلیه امکانات مادی و معنوی جامعه را در خدمت پیشبرد جنگ در معرض خطرنا بودی قرار میدهند و ارگانهای نظامی و انتظامی از سپاه و شهربانی و ژاندارمری برای دستگیری مشمولین، بسیج گشته و مداوماً برای مشمولین دام می‌گسترند، هنگامیکه ارگانهای سرکوب رژیم با عطف به فرامین خمینی که برکردن جبهه‌ها را "برای همداقشار از واجبات" میداند، مشمولین غایب را "مجرم" شناخته و در اطلاعیه‌های پی در پی آنان را که شمارشان به صدها هزارتن می‌رسد تهدید به مجازات مینماید، هنگامیکه رژیم، شرط کارورسگی را برای کارگران و معلمان و کارمندان و ورود و دالطلبین و دانشگاه‌ها را شرکت در جبهه‌های جنگ

ارتجاعی قرار میدهد، مقاومت در برابر اعزام اجباری به جبهه‌ها نه تنها با زهم در اشکال گوناگون ادامه یافته بلکه فرار سران از جبهه‌ها و پادگانها نیز به امری متداول مبدل گردیده است. در این رابطه نیز در هفته‌های اخیر دهها تن از سران از مراکز نظامی رژیم منجمله بانیه، "دگاکا" در کردستان، پادگان نیروی هوایی بندر عباس و تب ۵۵ هوا برده به پیشمرگان انقلابی خلق کرد پیوستند.

سران این فرزندان کارگران و زحمتکشان ایران در یافته‌اند که خونشان فقط در خدمت مظالم جنگ طلبانه سرمایه‌داران ریخته خواهد شد و سلاحهایشان جز شکافتن سینه کارگران و زحمتکشان کشور مقابل در جبهه‌ها تاج دیگری نخواهد یافت. آنان در یافته‌اند شکست و پیروزی "لشکریان اسلام" و "راهیان کربلا" در جبهه‌ها حاصلی جز فقر و مسکنت و تنهایی و کشتار برای توده‌های مردم سراسر ایران ببار نخواهد آورد.

همین که مشمولین و سران با به بهای از دست دادن شغل و شرایط زندگی عادی، در بدوری و محدودیت‌های حقوقی حاضر به شرکت در جبهه‌ها نمی‌باشند خود گویا ترین دلیل این واقعیت است که جنگ ارتجاعی برای توده‌ها یک پدیده منجرکننده است و آنان بیش از پیش به ماهیت خیانتکارانه آن آگاه گشته‌اند. در شرایط کنونی که ارگانهای ستار جمهوری اسلامی هم آوا با نغمه‌های تبهارانه جنگ از سوی مرتجعین و سرمایه‌داران، در فضای میلیتاریستی حاکم، شدیداً به تلاشهای ضد انسانی خود ادامه میدهند و به کنترل و اعمال سطره نظامی در کلیه شئون زندگی احاد جامعه مشغولند، اگر تمایلات فدرالیسم و جنگ ارتجاعی، در بین سران و مقاومت در برابر اعزام اجباری پراکنده و انفرادی بروز مینماید، لیکن بنا بر ابعاد همه‌گیر این مسئله همچنین مبارزه علیه اعزام اجباری به جبهه‌ها عرصه وسیعتری بساز خواهد یافت و بارش جنبش توده‌ای عمومی اقشاری از سران انقلابی این بار در جبهه انقلاب برای پایان بخشیدن به کشتار و ویرانی و فقر و فلاکت سلاحهایشان را در سوی سرمایه‌داران و مرتجعین، به سوی جمهوری اسلامی شانه خواهند گرفت.

جنگ

و

گسست در هیئت حاکمه

روستا و بویژه روستاهای نوار مرزی را وادار به کوچ اجباری نموده است تا اعمال کنترل پلیسی خود را بر آنان تسهیل بخشد. سیاست کوچ اجباری هر چند که همواره جزو سیاستهای دوررؤییم سرمایه داری سلطنتی و جمهوری اسلامی بوده است، اما امروز در مقطع کنونی و مشخصاً در روستاهای نواحی مرزی تشدید گشته است. درهمین رابطه تأثیرات جاسی و محدود کننده تشدید حملات و تعرضات رژیم جمهوری اسلامی بر جنبش انقلابی خلق کرد و فعالیت گروههای سیاسی ایرانی اگرچه موقتی و در حد بسیار جزئی بوده است، اما واقعیتی است که به تبع استراتژی جنگی رژیم، محاسبات و اتخاذ روشهای او در منطقه حاصل گشته است. در کلیت اما تمام می شود عینیت یابی این تهاجمات و پس از آن گواه بر آن بوده است که رژیم در دستیابی به اهداف ارتجاعی خود نا موفق بوده است. اما این فضا تحت رژیم مانع از آن نیست که خامنه ای رئیس جمهور ارتجاع با وقاحت خاص خود، آنرا پیروزی خواند.

خامنه ای، همانگونه که با توجه به این که نزدیک به هشتصد هزار نفر از مسئولین از رفتن به سر بازی خودداری کرده اند! - ادعا میکند که اعزام شدگان به جبهه ها در سال ۶۵ پنج برابر سال ۶۴ بوده است! به همان شکل نیز در نماز جمعه روز بیست و یکم شهریور ماه، هیچ مانعائی در مقابل خود نمی بیند که رژیم جمهوری اسلامی را تثبیت شده اعلام نکند و زمینه های پذیرش انقلاب اسلامی را در جهان فراهم شده خواند! او همچنین بی هیچگونه شرم و حیائی به وارونه جلوه دادن چهره رژیم در عرصه جهانی می پردازد، و رسوائی رژیم را در "کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد" موقفیت می خواند! خامنه ای در واقع خواست های نامین نشده ای را که رژیم بسر روی آن حساب باز کرده بود، بر زبان می راند، و در خطبه نماز جمعه از جمله میگوید:

"در اجلاس غیر متعهد یکجانبه موقفیت های ما نشان دادن چهره بین المللی جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مستقر پارتیست تثبیت شده و رنده و پیرنات بود." او همچنین میگوید:

ساخت کربلای ۲ و ۳ و حمله به جزایر مجنون و غیره به لحاظ نظامی هیچ دستاوردی جز هزاران کشته رزخمی برای رژیم نداشت جز آنکه تخریب و کشتار را دامن زد و دور جدیدی از مباران شهرها را به همراه آورد. مباران شهرهای ایران و عراق، پیرانشهر، تبریز، سردشت، مناسطی از لرستان، رباط، اسلام آباد، کرند، تاسیسات نفتی خارک، بصره، کربوک، و دیگر مراکز صنعتی و موشک باران بغداد و غیره که طی آن تعداد زیادی از مردم کشور قربانی جنگ ارتجاعی شدند، ثمره این دوره تعرضات رژیم و تهاجمات توسعه طلبانه او بوده است.

با زتاب این تهاجمات گسترده در عرصه داخلی اگرچه از سوشی جو سرکوب و خفقان و فشارهای نامحدود برای توده ها بوده است اما از سوی دیگر انبوه توده ها را فشرده تر و متراکم تر ساخته و زمینه برآمدن مخیزش های توده ای و تحولات قریب الوقوع را بیش از پیش تشدید کرده است. در عرصه خارجی نیز سیاستهای جنگ افروزان رژیم موجب انفراد و ایزوله شدن هر چه بیشتر او گشته است. طرح برقراری صلح و پایان جنگ ایران و عراق در کنفرانس سران "غیر متعهد" و صدور بیانیه ای درهمین رابطه در پایان کار این کنفرانس و اظهارات برخی از شخصیت های معروف این جنبش در زمینه پایان جنگ، تلاشهای دیپلماتیک رژیم را نیز که قبلاً از برگزاری کنفرانس بکار برده بود به شکست کشانید. پافشاری رژیم بر ادامه جنگ موجب آن شد که اکثر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس ایران را محکوم نمایند. این محکومیت در سطح جهانی وسیعاً انعکاس یافت و به انزوای بیش از پیش رژیم انجامید.

انعکاس جنگ ارتجاعی، در کردستان همواره تشدید فشار و سرکوب توده ها بوده است. گسترش جو خفقان و سرکوب بر زندگی زحمتکش خلق کرد و امواج سربازگیری های اجباری و اعزام جوانان به جبهه ها هر چند که با اعتراض و مقاومت اهالی همراه بوده است از جمله تأثیرات این جنگ و تشدید آن می باشد. گسترش جنگ و تشدید حملات ایران و عراق در شمال کردستان، علاوه بر تشدید فشارها و تضییقات همیشگی خود اجبار اهالی روستاها و شهرک های نواحی مرزی به کوچ را نیز بدین سال داشته است. همزمان با این حملات، رژیم با استفاده از موقعیت و به بهانه جنگ دهها

"وقتی که خبر موفقیت های رزمندگان کربلای ۲ و کربلای ۳ رسید آنجا یک زمزمه ای در بین این جمع بوجود آورد و یک وقار و ابهت خاصی به هیئت ما داد که کاملاً مشهود و محسوس بود و به خاطر همین است که این حرکت ها شایع عظیم مردم نشاندهنده تثبیت نظام ما است"

اما تلاشهای جناب رئیس جمهور، که فقر و تنگدستی وسیع روزی توده ها، همان "نشاط" و شادی او و امثال او است بی هویت است. او دیگر قادر نیست آرزوهای دست نیافتنی خود و رژیمش را در قالب "نشاط" دروغ باقیها و رویا کاریهایی خود به توده ها بقبولاند. "نظام مستقر و پارتیست" تثبیت نظام "همان آرزوی محال سران رژیم است که امروز زمانی که رژیم بیش از هر وقت دیگری متزلزل و بی ثبات است خامنه ای آن را بر زبان می راند. بی ثباتی رژیم امروز بیش از هر زمان دیگری آشکار و عیان گشته است. جنگ اگر از سوی سران رژیم به منظور تحکیم و تثبیت جمهوری اسلامی دامن زده میشود، اما خود به عاملی در تشدید بی ثباتی این تبدیل شده است.

اکنون که بحران اقتصادی - سیاسی پایه های رژیم را بیش از هر زمان دیگری ست و متزلزل کرده است و اعتلا جنبش گسترده و پرمایه توده ای به اموری کاملاً محتمل تبدیل گشته است. شکافهای درون حاکمیت نیز عمیق تر گشته و دسته جسات مختلف سرمایه داران بر سر این که چگونه باید جنبش کارگران و زحمتکش را سرکوب نموده و انقلاب را خفه کنند با هم اختلاف نظر دارند. شیوه های متفاوت این دستجات برای حفظ نظام سرمایه داری و منحرف نمودن مبارزات توده ها، اختلاف و تضاد را مابین آنها دامن میزند. نگرش به مسئله جنگ و ادامه آن نیز از همین زاویه صورت میگیرد. جنگ تا آنجا که بتوانند از انقلاب جلوگیری نمایند و یا به تاخیر بیندازد، به مثابه ابزاری در دست سرمایه داران بکار گرفته میشود، ابزاری که بتوانند، تثبیت حکومت آنان را تأمین کند. اما تمامی شواهد عینی موجود، بویژه شکاف درون حاکمیت و به جان هم افتادن ارگانها و جناحهای حکومتی که منجر به کاهش قدرت متمرکز حکومت اسلامی در رویارویی با کارگران و زحمتکش گشته است گویای این واقعیت است که این

جنگ ۹ کسست در هیئت حاکمه

اسلامی و تشدید در و به افول آن است. واقعیت این است که تشدید و ضاع و خامت بارگونی، نارفایتی عمومی شده ها از جنگ، سرکوب، خفقان و غیره، که روزه روز دانه بیشتری می باید، چشم انداز شرایط و خیم تر و غیر قابل تحمل تر آتی که از هم اکنون زمینه سازی انفجارات بوده ای را با رورتر کرده است، اختلافات و تضادهای درونی رژیم را به آن حد رسانده است که دیگر "سفا رش" های خمینی و "توجهات" او کار ساز نیست. اگر روزی خمینی با ایما و اشاره میتواندست برای اختلافات جناح های موجود سرپوش گذاشته و یا آنرا بطور موقتی و ظاهری تعدیل نماید و از شدت تضادها تا حدودی جلوگیری نماید، امروز تضادهای درونی

تعدیل تضامات میکند و تلاش زیادی بکار میبرد، تا خطرا، خطری را که متوجه همه آنهاست، به آنها ن کوشد کند. از این سروس با هم سعی میکند از شدت تضادها بکاهد و توازن معقولی میان آنها ایجاد نماید!

او میگوید:
"من همه اشخاصی که قلم در دستشان هست، زبان گویا دارند و میخواهم سفا رش کنم که متوجه باشند. صحبت سردولت و با ریاست جمهوری و اینها نیست، صحبت سر نظام است، نظام اسلام است، آقایی خا منده ای با شند رئیس جمهور و یا کس دیگر

ا بزار نیز در دست سرمایه داران دیگر حاصل آن نقش و کارآشی قبلی نیست. جنگ و تداوم آن با وجود آنکه هنوز کلیت بورژوازی بر آن تاکید میورزد، اما، بسی ثباتی رژیم را تشدید نموده و او را به ورطه سقوط نزدیکتر میکند. افراد و جریانی که تزلزل، ضعف و بی ثباتی رژیم را رو به تزیادی می بینند و بر بستر بحران انقلابی کنونی تشبیه رژیم را ناممکن یافته اند، دامن از حاکمیت کننده میشوند و با کنار آمدن گیری هر روزه، رژیم را ضعیف تر میکنند. این افراد و یا جریانی "دور اندیش" برای حفظ همان مناسبات استثماری و رگانه راه را در جانش از حکومت، حکومتی که قادر نیست انقلاب را بطور قطعی سرکوب کند، دیده اند. اینان حتی تحت پوشش مخالفت با جنگ و یا طرفداری از "زادی" و غیره امروز از مرکز همان حکومتی که خود در ایجادش شریک بودند می گریزند.

از سوی دیگر تقابل دو جناح اصلی حاکمیت در سایه تشدید و تعمیق بحران اقتصادی - سیاسی به گونه ای کم سابقه عریان شده است. نمایندگان بورژوازی تجاری و سرمایه عقب مانده که سنگ تجارت آزاد و فعالیت آزاد بخش خصوصی را به سینه میزنند، در روزنامه های خود به انتقاد و مقابله با برجسته ترین نماینده جناح دیگر برخاسته و او را مستقیما مورد سوال قرار میدهند.

"رسالت" ارگان جناح بورژوازی تجاری رفسنجانی، قدرتمندترین نماینده جناح مقابل را به باد انتقاد میگیرد، با تائید حمایت از شورای نگهبان و اتکاء به دستورالعمل های فقهی نوشته های خمینی جناح مقابل را در فشار و تنگنا قرار میدهد. دعوت ها و نصایح خمینی که دیگر مدتهاست از بخشی خود را از دست داده است در مورد سکوت جناح ها و یا عدم کنایه گیری افراد از حکومت بلا شرمی مانده، جناح باز را در مقابل رفسنجانی و دولت، دولت که خمینی با هدف خارج ساختن کل سیستم از زیر ضرب از آن حمایت کرده است - می ایستد. با داد و میچان یکی از تجار عمده با تکیه بر اصول فقهی جناح مقابل را به مبارزه می طلبد و نظرات آنان را مغایر بقه خمینی و دیگر تقاضای شمارد. بارار، ستون انقلاب، بدون توجه به شرایط حساس کوسی که خمینی تلاش زیادی میکند اس شرایط را به او تفهیم کند، جناح مقابل را زیر ضربات خود میکشد. خمینی برآی منافع کل نظام، دعوت به آسوی و

شش سال ادامه جنگ ارتجاعی دولت های ایران و عراق
تنها نتیجه اش کشتار هزاران تن از تنه های زحمتکش ایران
و عراق، در بگیری میلیون ها آواره جنگی فقر، گران، بی کاری
و دهها مصیبت دیگر بوده است.

برای پایان بخشیدن به این جنگ ارتجاعی و

دستیابی بیک صلح دموکراتیک، راه دیگری جز قیام مسلحانه
و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد، تنها قیام و انقلاب

میتواند به تمامی فجایعی که این رژیم بار آورده است پایان بخشد.

تنها راه تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی است.

مرکز بر جنگ ارتجاعی - مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی.

حاکمیت آنچنان حادث شده است که سخنان آشکار خمینی در تعدیل این اختلافات و تضامات بی اثر میماند و از نقش و کارآشی خمینی در ایجاد توازن میان دو جناح اصلی شدت کاسته میشود. بی شک رهبری جمهوری اسلامی، با اوج گیری مبارزات تنه ها و وسیع شدن تضادها را این هم بسی نقش سرجوا دهند.

از همین رو است که امروز، بر بستر تشدید تضادهای درونی و بی ثباتی رژیم

آقای موسوی نخست وزیر با شنیدن کس دیگر این مطرح نیست. مطرح نظام جمهوری اسلامی است، ما مکلفیم به حفظ آن، همه نویسندگان مکلفند به حفظ اسلام!"
این سخنان خمینی که بد مناسب هفته دولت گفته شده است، اگر چه با صراحت از جناح های مخالف هم، "حفظ نظام اسلام" و "نظام جمهوری اسلامی" دعوت بعمل میآورد، و همه را مکلف میکند به "حفظ نظام"، در عین حال بر اصرار جبر دیگری گویای کسب حکم نظام جمهوری

سرکوب! سقوط یا نجات ارتجاع

وزحمتکشان از میدان ژاله تهران سر برکشید و بزودی امواج خروشنده آن سراسر ایران را در نور دید، بنیان حکومت جابرانه ستمشاهی را به لرزه افکند و به جنبش انقلابی عمق و ژرفای بیشتتری بخشید.

تا کتیکهای فریبکارانه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، مبنی بر وعده های پیوج میان تهری جهت به انحراف کشتنیدن مبارزات توده ها، اشربخش نبود، توده های انقلابی با اشراف به این ریاکاریها، همچنان برابعد مبارزات خود مبارز بودند جنبش انقلابی اوج می یافت. ارتش دست پرورده شاه، ارگان ستمگری و سرکوب علی رغم دریافت گل از دست توده های که به توصیه رهبران مرتجع و سازشکار به آنها هدیه میکردند، همزمان با این تلاشهای فریب آمیز به انجام وظیفه اصلی خود، یعنی سرکوب مشغول بود و پاسخ آنان را با گلوله میداد و خون میریخت. قتل عام و کشتار و وحشیانه ۱۷ شهریور ما، به جنایات رژیم و اعمال سرکوب خونبار، ابعاد کم سابقه ای بخشید و شهدای بیشمار برای گذشت و ماهیت ارتش سرکوبگر، ارتشی که شالوده آن بر حفظ منافع سرمایه داران و امپریالیست ها ریخته شده است، بیش از پیش بر توده ها آشکار گشت. قتل عام زنان و مردان و کودکان توسط این ارتش میدان ژاله و خیابانهای اطراف آن را رنگین ساخت و خون سرخ کارگران و زحمتکشان بر جویها جاری شد. اما این کشتار و وحشیانه نه تنها مانع رشد و شکوفائی جنبش انقلابی نکشت بلکه، امواج توفنده حرکت انقلابی توده ها و خصوصا کارگران را بیش از پیش برانگیخت و جنبش توده ای عمق و اعتلای نویسنی یافت کارگران و زحمتکشان، به ویژه نفتگران قهرمان پرچم خونین مبارزه ضد دیکتاتوری و فدا امپریالیستی را سر انراشته نگاه داشتند. اعتصابات کارگری همراه با تظاهرات خیابانی جامعه را بوی یک قیام عمومی و سراسری پیش میبرد و سرانجام بدرغم سرکوب و کشتاری و فقه ارتش سرکوبگر، تمام

پیروز مند توده ها روزیست و دوم بهمن ماه، رژیم شاهنشاهی را به کورسپرد، سلطنت و از کون شد اما در غیاب آلترنا تیو انقلابی، مرتجعین به قدرت خزیده و به بازاری ارگان سرکوب پرداختند. حفظ و حراست از نظام سرمایه داری، سازمان نظامی منظم خود را میطلبید. از این رو نه تنها ارتش با سازی شد، بلکه ارگانهای سرکوب دیگری نیز همچون سپاه و کمیته، ماشین بوروکراتیک را تکمیل کردند. جمهوری اسلامی شمیر رژیم سلطنتی را که عامل کشتارهای خشن و وحشیانه ای همچون ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان بوده ها عمیل سرکوبگرانه دیگری ا پشت سرداشت محکم در دست گرفت. آن را نیز تر کرد و سیقل داد. برنما ش آن افزود و با لای سر توده ها نگاه داشت که هر زمان خواست بر فرق سر آنان فرو آورد تا به نقش وظیفه اش در این رژیم ادامه دهد. چیزی نگذشت که کشتارها در ابعاد دیگری توسط رژیم جمهوری اسلامی تکرار شد و ادامه یافت. سرکوب کارگران، کشتار بیرحمانه خلق های ترکمن و عرب، سرکوب مداوم خلق کرد و ایجاد فاجعه ای چون "ایندرقاش" و "قارنا" نمونه های دیگری از عملکرد ارگان سرکوب است.

اگر رژیم شاهنشاهی در حراست از منافع سرمایه بروری انبوه توده های انقلابی در ۱۷ شهریور آتش کشود و چندین هزار تن را به کلوله بست، رژیم ستمگر جمهوری اسلامی در راستای تامین همان منافع و استمرار حکومت استعمارگران از فردای بد قدرت رسیدنش به سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان پرداخت و هنوز بیش از ۷ ماه ارقام توده ها سیری نگشته بود که اهرمها بر سرکوب رژیم در ادامه خون ریزی های مداوم خود، روستای "قارنا"ی کردستان را نیز مورد هجوم و وحشیانه قرار دادند. سرکوبگران مردور در ۱۱ شهریور ماه ۵۸ با همدستی جیره خواران حزب الهی و دارودسته ملاحمنی امام جمعه ارومیه جنایت دیگری را نمونه جنایات متعدد حلف نارسجی خود آفریدند. حرد خواران رژیم ارجاعی، طی یک

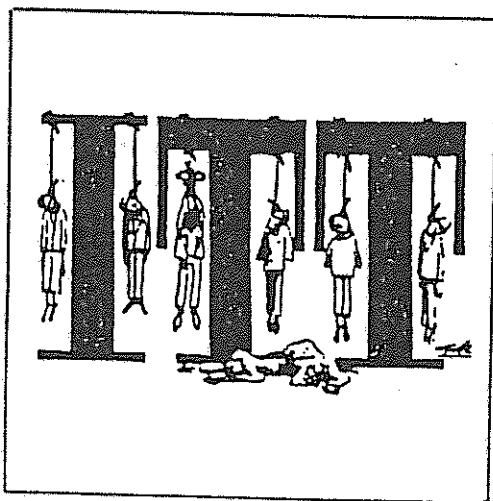
هجوم و حشیا به این روستا پس از ضرب و شتم اهالی، ۶۸ تن را قتل عام کرده و ماهیت مرتجعین حاکم را بیش از پیش برملا ساختند.

کشتار قارنا توسط مزدوران هرچند که در این نمونه خاتمه نیافت و در پروسه حیات شکنین رژیم جمهوری اسلامی به سرتا سر کردستان تعمیم یافت و تکرار شد تا تشبیت حاکمیت ارتجاع تا مین گردد، اما تجارب تاریخی ده ها بار نشان داده است که کشتار و سرکوب توده ها قادر به جلوگیری از سقوط قطعی رژیم های ارتجاعی نیست! ارتجاع برای نجات خود به سرکوب متوسل میشود، اما سرکوب مانع از سقوط ارتجاع نیست. اگر کشتار ۱۷ شهریور

توانست رژیم شاهنشاهی را از سقوط حتمی نجات دهد، کشتار کارگران و زحمتکشان، آفرینش قارنا ها و ایندرقاش ها و دیگر جنایات متعدد و مکرر رژیم در کردستان خواهد توانست او را از سقوط حتمی نجات بخشد.

هفدهم و یازدهم شهریور ماه اگر از سوشی مبین کشتار توده ها و افشا کرنش و چهره ارگان های سرکوبگر رژیم های سرمایه داری در دوشکل سلطنتی و جمهوری اسلامی است، از سوی دیگری داد و جنبش انقلابی توده ها و مبارزه آنان برای دست یابی به خواست های انقلابی و دمکراتیک خویش است!

رنده باد جنبش انقلابی توده ها!



رهبری طبقه کارگران و پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلفهای ایران است

"تلاش رژیم اسلامی برای اعمال بیکار سازیها تحت نام اقتصاد جنگی و از طریق بسیج جنگی ممکن است چنین تداومی کند که برای متوقف شدن بیکار سازی ها باید جنگ خاتمه یابد! این درک اشتباه در واقع چیزی است که خود رژیم اسلامی هم میگوید و ما بل است که در جنبش کارگری آلاء شود. چرا که نمیتواند کارگران را نسبت به مقاومت علیه بیکار سازی ها نومید کند، آنها را برای توقف بیکار سازی به عرصه مبارزه علیه جنگ حواله بدهد."

نظریه پردازان اکونومیست مسائل را اینگونه به ابتدال میکشاند تا کارگران را مجبور کنند در چپا چسبند. کارخانه به مبارزات خود ادامه دهند. آخر این برای هر کودک دبستانی هم قابل فهم است که حکومت اسلامی تحقق تمامی مطالبات برحق توده ها را به بعد از جنگ و پایان پیروزمندان آن حواله میدهد و نه اینکه توده ها را به سمت مبارزه علیه جنگ سوق دهد، رژیم جمهوری اسلامی اگر که نه بیشتر، کمتر از اکونومیست های ما از مبارزه کارگران علیه جنگ وحشت ندارد، آنجا که نشریه "کمونیت" مینویسد: "این درک اشتباه در واقع چیزی است که خود رژیم جمهوری اسلامی هم میگوید و ما بل است که در جنبش کارگری آلاء شود. در حقیقت درک اشتباه، وصیح تر، درک واقعی خود را از مبارزه سیاسی طبقه کارگر آشکار میسازد، درکی که تصور میکند مبارزه همه جا نه طبقه کارگر، مبارزه سیاسی طبقه کارگر، مبارزه طبقه کارگر در مورد کلیدی ترین مسائل جامعه یعنی جنگ، به اتحاد و انسجام طبقه آسیب میرساند. درکی که اتحاد و انسجام و پیروزی مبارزاتی طبقه کارگر را از دیدگاه اکونومیستی ارزیابی میکند. و آنجا که بلوک کوماند و سهند میخواند گوشه چشمی هم به مسئله جنگ بیا بیا زندیا معیار ما رتینگی در حقیقت اصل سیاسی کبردن مبارزه اقتصادی را نشانه میروند. نشریه "کمونیت" مینویسد:

"در واقع این خنثی کردن و به شکست کشاندن سیاست بیکار سازی ها خواهد بود که ضربات مهمی را بر جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ وارد میورد، به این معنی مبارزه علیه بیکار سازی ها

کمونیت یا . . .

کارخانه خود را به مسائل خود اختصاص ندهد. باشند چه ربطی بین مبارزه علیه بیکاری مبارزه علیه جنگ و مبارزه علیه سرنگونی رژیم وجود دارد؟ از دیدگاه اکونومیستها تمامی اینها زیان آور است، این بلوک ائتلافی که قبلا به کارگران رهنمود داده بود که در هر کارخانه به هر شکلی که میخواهند بر علیه بیکاری به مبارزه برخیزند و عملار استای واحدی را برای اتحاد و انسجام طبقه کارگر در مبارزه علیه بیکاری بی فایده تلقی نموده بود و رهنمودش در همین مورد عملا کارگران را به گروههای جدا از یکدیگر مجزا میساخت، قدمی فراتر برداشته و صریحا اعلام میکند که کارگران نباید خود را درگیر مبارزه سیاسی کنند، که مسائل جامعه جدا از یکدیگر نروند و هیچ ربطی به یکدیگر ندارند. نشریه "کمونیت" در این مقاله خط و مرزی بین مطالبات بلاواسطه اقتصادی صنفی طبقه با مطالبات سیاسی ترسیم میکند که تاکنون هیچ یک از گروههای آنها را کوسندیکالیستی خط ۳ هم جرات آنرا به خود راه نداده بود. اگر اکونومیست های روسی که لنین نعتشان را هم بگور سپرد مطرح میکردند که طبقه کارگر آمادگی مبارزه سیاسی ندارد (البته نه مبارزه سیاسی تردیونیونیستی) حال از کسانیکه خود را مرکز ما رکسیسم انقلابی در جهان معرفی میکنند میپرسیم که ما با کارگران مجبور شوند خود را ناگزیر و بلاواسطه در مقابل جنگ و مبارزه علیه جنگ قرار دهند، اگر زمانی که کارگران خود بین مبارزه علیه بیکاری و مبارزه علیه جنگ ربطی نداشتند نمیشدند کمونیستها وظیفه داشتند که کارگران را به این ربط واقف گردانند، حال که خود کارگران بین جنگ و بیکاری ارتباط برقرار میکنند، اکونومیست های ما دستور ایست میدهند، می ترسند مبارزه کارگران به عرصه کشیده شود که آنها حق طبیعی بازرگانها و نهضت آزادی ها و سایر لیبرالها میدانند!

نشریه "کمونیت" این ترخود را تعمیق می بخشد و در ادامه مینویسد:

نظریه اکونومیستی خود را حتی برای این پایه هم استوار نمیکنند که کارگران هنوز آماده ورود به صحنه سیاسی نیستند بلکه اساسا مبارزه سیاسی طبقه کارگر را مغربه حال مبارزه اقتصادی و تحقق مطالبات سیاسی شان ارزیابی میکنند. کسانی که کارگران را بر حذر میدارند که مبارزه را در عرصه مبارزه سیاسی شوند، البته نه مبارزه سیاسی که سیاست تردیونیونیستی را شامل میشود بلکه آن مبارزه سیاسی که به اساسی ترین مسائل جامعه از قبیل جنگ و سرنگونی رژیم و قدرت سیاسی مربوط میشود.

بلوک ائتلافی کوماند و سهند چنین تعمیقی را در پیش ما رتینگی رسالت خود قرار داده اند. نشریه "کمونیت" ارگان این بلوک در شماره ۴۶ خود طی مقاله ای با نام "مقاومت وسیع علیه بیکار سازیها را سازمان دهیم." نگفته تر شدن اکونومیسم این بلوک را منعکس ساخته است این انکساز پیش "حزب" نسبت به جنبش کارگری که آنها تردیونیونیستی مینامند و انقلاب که در حقیقت رفرم را مد نظر دارد ناشی میشود. نشریه "کمونیت" می نویسد:

"حکومت اسلامی کوشیده و میکوشد تا سیاست بیکار سازی را اساسا از طریق برقراری حالت بسیج جنگی به پیش ببرد. . . . ولی چیزی که باید به آن توجه شود فقط تلاش جمهوری اسلامی برای اعمال بیکار سازی ها از طریق بسیج جنگی نیست. بلکه محدودیت های واقعی است که در این زمینه در مقابل اوترا ر گرفته است. . . . محدودیت هایی که در هر مبارزه عملی میتواند و باید مورد استفاده قرار بگیرد تا آنکه کارگران بدون آنکه مجبور باشند خود را ناگزیر و بلاواسطه در مقابل جنگ و مبارزه علیه جنگ قرار دهند، مقاومت علیه بیکار سازی را به پیش ببرند."

چه کابوس وحشتناکی کوماند و سهند را زنج میدهد، چه در وحشتناک است اگر که کارگران مجبور باشند خود را ناگزیر و بلاواسطه در مقابل جنگ و مبارزه علیه جنگ قرار دهند! نه این عرصه بازرگانها و نهضت آزادی است که ما لوسا نه و ناگزیر و بلاواسطه خود را در مقابل جنگ قرار دهند. مبارزه علیه جنگ چه ربطی به کارگران دارد کارگران باید در محدوده

وقتی که تفادهای جامعه‌ها و عمیق
میشود، زمانی که توده‌ها می‌روند تا به
حکومت ارتجاعی تعیین تکلیف قطعی
کنند، و خلاصه آن زمان که کارگران و
زحمتکشان موجودیت انقلابی خود را به
استثمارگران نشان میدهند، بورژوازی
نه تنها مخالف سرکوب و اختناق میشود،
بلکه برای آنکه فرصت کافی بیاورد تا
خود را تحکیم کند از این هم فراتر رفته و
طرفداران انقلاب نیز میشود و چنین است که
حتی دیکتاتورهای همچون "شاه" و
خمینی نیز "صدای انقلاب" را می‌شنوند.
اما این بار توده‌های زحمتکش و
بویژه، کارگران آگاه با تاج‌رب‌خونی
که پشت سردارند، اجازه نخواهند داد که
یکبار دیگر بورژوازی در هیبتی جدید بر
امواج مبارزات آنان سوار شود و آنرا
به انحراف بکشاند!

جنگ

و

کست در هیئت حاکمه

رادوام و بقاء بخشد، پیروده نیست که
امروز ملج، "آزادی"، جدائی دیمن از
دستگاه دولت و غیره و غیره از جانب
جریانهای مختلف بورژوازی مطرح میشود
بخش‌های مختلف بورژوازی میخواهند با
اتکاب به شیوه‌ها و شعارهای جدید، جنبش
توده‌ای را سرکوب کرده تا خود قدرت
سیاسی را به چنگ آورند. بورژوازی برای
انحراف مبارزات کارگران و زحمتکشان
در مقابل شعار ملج توده‌ها، ملج انقیاد
کرایانه‌اش را قرار میدهد، در مقابل شعار
آزادی توده‌ها، آزادی استثمارگران و
بجای شعار دمکراسی توده‌ای، دمکراسی
خود را قرار میدهد!

که کلیت نظام را تهدید میکند چریک‌های
بورژوازی به تکیه بر افتد تا چهره
خوبش را تغییر دهد و با تعویض شعارهای
پیشین، که در پیشبرد اهداف کارگران و
تشبیهت حکومت سرمایه‌داران دیگری اثر
شده‌اند، مناسبات استثمارگران را از
زیر ضرب توده‌ها خارج سازند. اگر روزی
طرح شعار تلفیق دین و حکومت در دستور
کار بورژوازی بود، و بورژوازی بقاء و
دوام منافع خود را در آن میدید، امروز
نجات خود را در برافراشتن پرچم دیگری
دیده است. اتکاب، رباکارانه بخش‌های
مختلف بورژوازی به شعارها و مطالبات
معینی که امروزه از سوی توده‌ها عنوان
میشود، آن پرچمی است که بورژوازی با
بهره‌گیری از شرایط و خامت با رکنونی
میخواهد آنرا برافرازد تا همچنان جامعه
سرمایه‌داری و مناسبات استثمارگران

همبستگی کارگران را در مبارزه‌ای
مستقیم و نیرومند برای برقراری بیمه
بیکاری خواستار میشوند، این است آن
اوج پرواز مرغی، که خود را عقاب
میخواند.

کمونیست یا اکونومیست ؟

در شرایط حاضریه معنای یک مبارزه
واقعی و عملی علیه خودجنگ و رژیم
اسلامی نیز هست
آری، آری کارگران و لزومی ندارد
که شما زحمت مبارزه علیه جنگ را بر خود
هموار سازید لزومی ندارد که بر علیه
رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنید کافی
است که بر علیه بیکاری مبارزات خود را
گسترش دهید، این بیمی مبارزه علیه جنگ
و علیه رژیم!

اما کارگران به این مارکسیستهای
قلابی خواهند گفت، که این همان رهنمودی
است که بورژوازی همواره به ما داده است
و در طول تاریخ زمانی که ما ناآگاه
بودیم و این حرفها با و زمان میآمد با رها
سرمایه‌سنگ خورده است. این سخن،
سخن آشنائی است، میگوئید نه! بروید
از آقای بازرگان بپرسید تا ببینید تا
چه حد از این رهنمود شما به ما کارگران
مشغول میشود و وقتی میبیند "مارکسیستهای"
هم پیدا میشوند که حرف او را میزنند.

و بالاخره نشریه "کمونیست" پس از
رهنمودهای عملی برای مبارزه علیه
بیکاری که با معیار اکونومیستی در
شرایط حاضریه شرايطی که انقلاب در
دستور است به معنای یک مبارزه واقعی و

عملی علیه خودجنگ و رژیم اسلامی نیز
هست به اتحاد و همبستگی کارگران میرسد
و مینویسد: "در صورت مجهز کردن
مقاومت و مبارزه علیه این موج خرابی کار
سازی‌ها با درخواست تا مین معیشت تا
برگشت به کار و موفقیت در عملی کردن
این خواست، دور نیست که صفوف ما
در همبستگی و اتحاد با مدتها هزار بیکار
تقویت شود مبارزه ای مستقیم و
نیرومند برای به رسمیت دادن بیمه
برقراری بیمه بیکاری در جامعه آغاز
گردد."

آری اتحاد و همبستگی و مبارزه
مستقیم و نیرومند برای برقراری بیمه
بیکاری است، در حالیکه کارگران خود
را در مبارزه ای رویارو با رژیم جمهوری
اسلامی میبینند در حالیکه اتحاد و
همبستگی کارگران در جهت وحدت طبقاتی
و نه تردیونیونیستی میتواند به پیش رود
شرایط آن کاملاً مهیا است، در شرایطی که
بحران انقلابی مبارزه ای مستقیم و
نیرومند را بر علیه قدرت سیاسی حاکم در
مقابل کارگران قرار داده است، در حالی
که مسئله جنگ و مسئله قدرت سیاسی در
دستور روز مبارزه کارگران قرار دارد،
در حالیکه پیشاهنگ پرولتاریا باید
کارگران را برای رساندن اتحاد و
همبستگی کارگران را برای کسب قدرت
سیاسی تقویت بخشد، در حالیکه انقلاب در
دستور است، اکونومیستهای ما اتحاد و

پیاد صد

بین اقشار محروم جامعه از کودک و بیسرو
جوان برانگیزد و با امید به هستی و درک
ارزشهای واقعی آن "چگونه بودن" را
بدانها بیاموزاند.
بدینسان صمدبا کشودن راهی تازه
با جدوجهد در راه پالایش فکری نسل جوان
در اعماق پیوندهای صمیمانه و عشق خود
با ستمکشان، حیات و مرگ خود را نیرو بخش
زندگی گرداند و اینک، پس از ۱۸ سال
از آن مرگ ناپهنگام، امروز در عرصه
بیکار و طبقاتی و فردا در صبح روشنائی در
رک و اندیشه انسان کمونیست جاری
خواهد ماند.

با دصمیت و رمانت صمد
کرامی صمد

بانه

در پی هجوم گسترده مزدوران رژیم به اماکن مکتونی شهر بانه و نیز روستاهای اطراف آن جهت دستگیری جوانان و اعزام آنان به جبهه های جنگ ارتجاعی، مسئولین خانه وکاشانه خود را ترک کرده و در مناطقی که دور از دسترس رژیم است پنهان شده اند، حمایت وسیع اقشار رحمتکش بانه و روستاهای اطراف در پناه دادن مسئولین ضمن آنکه تلاشهای مذبوحانه رژیم را برای سر بازگیری ناکام گذاشته است دال بر نفرت روزافزون توده ها از جنگ ارتجاعی است.

- در تاریخ ۸ شهریور ماه یکدسته از مزدوران رژیم موسوم به گروه ضربت پس از محاصره روستای "ساوان" واقع در بخش "شوی" به خانه گردی و ضرب و شتم زحمتکشان میپرداختند و ۱۵ تن از اهالی را دستگیر و در مسجد روستا جمع میکنند. اهالی روستا متحداً دست به اعتراض میزنند و با تمام قدرت مزدوران را مورد حمله قرار میدهند. سرکوبگران که از این عمل انقلابی زحمتکشان دچار وحشت گردیده بودند دست به تیراندازی هواشی میزنند، اما زحمتکشان خشمگین بی هیچگونه هراسی از اینگونه اعمال وحشیانه به تعرض انقلابی خود ادامه داده و رأساً هر ۱۵ نفر دستگیر شده را آزاد می نمایند. نیروهای مزدور با عجز و درماندگی مجبور به ترک روستا میشوند. - روز دوم شهریور ماه نیز روستای "ره شه قه لات" مورد یورش وحشیانه مزدوران قرار میگیرد، سرکوبگران پس از محاصره روستا به تفتیش و خانه گردی پرداخته و ۱۵ تن از اهالی این روستا را دستگیر و روانه شهر میکنند. روز بعد خانواده های افراد دستگیر شده در اعتراض به دستگیری جوانان در مقابل ژاندارمری بانه تجمع نموده و خواستار آزادی فرزندان خود میشوند.

- در تاریخ ۱۷ شهریور ماه مزدوران رژیم به روستای "به کی" یورش برده و ۴ تن از مسئولین را دستگیر می نمایند.

اخبار جنبش توده های



وخت و در کمال عجز و بیونی روستا را ترک میکنند.

- روز ۱۷ مرداد ماه نیز اهالی روستای "هاله دهره" واقع در این بخش ضمن راهپیمایی اعتراضی آمیز خود بدون هراس از تیراندازیهای هواشی مزدوران مستقر در پایگاه روستا وارد پایگاه میگرددند و ۱۲ نفر از اهالی روستا را که در اسارت نیروهای مزدور بودند آزاد می سازند.

- همچنین در روزهای ۱۸ و ۱۹ مرداد ماه زحمتکشان روستاهای "چه تنان"، "به زده سی"، "کیزمل علیا و غلی" و هزارگان "بمنظور سر بازگیری اجباری مورد یورش سبانه مزدوران رژیم قرار گرفت، طی این هجوم وحشیانه اهالی روستاهای فوق تهدید شده اند که باید فرزندان شان را برای اعزام به جبهه های جنگ ارتجاعی معرفی نمایند، مردم زحمتکش این روستا ها تسلیم تهدیدات کهنه شده رژیم نشده و مقاومت یکپارچه آنان ادامه دارد.

تعرضات زحمتکشان "به ریه له مارال" که همواره شکست سیاستهای سرکوبگرانه رژیم را در پی داشته بخوبی عجز و درماندگی رژیم را در مقابل با حرکات دسته جمعی و متحد زحمتکشان آشکار میسازد.

سر بازگیری اجباری

سندج

زحمتکشان روستای "تهینال" در بخش "به ریه له مارال" با رد یکپارچه یورش وحشیانه مزدوران رژیم را که برای بدام انداختن مسئولین بمنظور اعزام به جبهه های جنگ ارتجاعی صورت گرفت با مبارزه متحد خود به ناکامی کشاندند.

روز ۱۸ مرداد ماه، مزدوران رژیم به این روستا هجوم میبرند اما زحمتکشان با هوشیاری کامل جمعی از مسئولین را فراری میدهند و سپس متحد و یکپارچه آماده رویارویی با سرکوبگران میشوند. هنگامیکه مزدوران قصد دستگیری یکی از اهالی را داشتند روستائیان به مقابل انقلابی پرداخته و با مضر و با کردن تنی چند از مزدوران فرد دستگیر شده را از چنگ مزدوران آزاد میکنند. جانشان خود فروخته که از این حرکت هم آشنگ اهالی زحمتکش غافلگیر شده بودند با تیر و



اخبار جنبش توده‌ای

افراد دستگیر شده در یک فرصت مناسب موفق به فرار شده و از جنگ مزدوران میگریزند.

روز ۹ شهریورماه نیز ۶ تن از اهالی روستای فوق الذکر دستگیر و روانه شهر بانه میشوند، بستگان و خانواده‌های افراد دستگیر شده به شهر بانه رفته و رژیم برای جلوگیری از گسترش اعتراضات آنها را آزاد می‌نماید.

روز ۱۱ شهریورماه نیروهای مزدور رژیم طی یک یورش وحشیانه به مناطق مسکونی شهر بانه تعدادی از جوانان شهر را دستگیر و راهی پادگانها نمودند که هنوز از سرنوشت آنها خبری در دست نیست.

مریوان

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در راستای سیاستهای ارتجاعی رژیم، چندی پیش به روستای "بارام، شاوا" یورش برده و اهالی روستا را مورد تهدید قرار می‌دهند که باید جوانان مشمول را برای اعزام به سربازی معرفی نمایند. مردم زحمتکش این روستا همچون اغلب زحمتکشان کردستان متحداً دست به مقاومت زده و از پذیرفتن خواست مزدوران سرباز می‌زنند و آنان را مجبوره ترک روستا می‌نمایند.

در تاریخ ۱۸ شهریورماه نیروهای سرکوبگر به بار و روستای "گاشی دینار" واقع در حومه شهر مریوان راه محاصره درآورده و دست به خانه گردی و ضرب و شتم زحمتکشان روستا زده و با ایجاد زعب و ترس تعدادی از جوانان را دستگیر می‌نمایند. لازم به یاد آورست که این روستا یکی از مراکز تجمع آوارگان جنگ ارتجاعی است.

سردشت

روز ۲۳ مردادماه روستای "سین سدر" واقع در بخش که ورک به محاصره نیروهای

بیشتری از زحمتکشان راه مسلخ جنگ ارتجاعی کسید دارند.

در سن انزجار و تنفر شدید از رژیم جنگ ارتجاعی هر روز تشدید می‌شود و فرار از جبهه‌ها در ابعاد وسیعتری همپاشان ادامه دارد.

در روزهای ۲۰ و ۲۳ مردادماه دو تن از سربازان موفق به فرار شده. و خود راه نیروهای انقلابی معرفی نمودند. در تاریخ دوم شهریور ماه سرباز دیگری که مسئولیت تدارکات پایگاههای "دکا کا" در منطقه سرشیوسقز را به عهده داشت محل خدمت اجباری خود را ترک و خود راه پيشمرگان خلق کرد معرفی و داوطلب پیشمرگانی شد.

روز سوم شهریورماه نیز سربازی که از پایگاه نیروی هوایی بندر عباس موفق به فرار شده بود خود را به پیشمرگان معرفی کرد، سرباز دیگری در تاریخ ۱۲ شهریورماه به کمک اهالی روستای "چناره" در منطقه مریوان از جنگ مزدوران گریخت و داوطلب پیوستن به صفوف پیشمرگان جنبش خلق گردید.

مزدور جمهوری اسلامی در میآید و خانه گردی از جانب نیروهای سرکوبگر بقصد دستگیری مشمولین فرار را میگرداند. جوانان روستا عمدتاً موفق به فرار میشوند اما ۵ تن از آنان به هنگام خانه گردی دستگیر می‌گردند. مردان و زنان زحمتکش با تجمع و دادن شعار علیه نیروهای مزدور موفق میشوند پس از چند روز آنها را آزاد سازند.

بازار "نهلوس" در مسیر جاده سردشت - پیرانشهر نیز به همین منظور مورد هجوم گسترده مزدوران رژیم قرار گرفت که بیشتر مشمولین موفق به فرار شدند. اما تعدادی از آنان توسط رژیم دستگیر می‌گردند، که از سرنوشت آنها هنوز خبری نیست.

در روزهای ۱۸ و ۱۹ شهریورماه مزدوران رژیم به روستاهای "موسه لان"، "به لکه"، "خالواتان"، "نهلوس"، "میرشاوا" در بخش سویینا به شی یورش برده و پس از هتاک و ضرب و جرح زحمتکشان تعدادی از جوانان را دستگیر می‌نمایند، حملات غافلگیرانه مزدوران به روستاهای مناطق مختلف کردستان در این روزها شدت گرفته تا تعداد

سرکوب وحشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و ترسویی مردم

در مقام

جنبش انقلابی خلق کرد است!

بر اثر این عمل وحشیانه جان خود را از دست داد و خسارات مالی فراوانی به زحمتکشان این روستا وارد شد.

رژیم متناً و با تعدادی از روستاهای این منطقه را گلوله باران نموده و در روستای "هلولی" شیر خاوندی زحمتکش یکجا و نفرات اهالی روستا بشهادت میرسد چهار نفر مجروح می‌گردند و خساراتی نیز به زحمتکشان وارد می‌آید.

عین همین حرکت دمدنانه در مورد روستاهای "بی شاد"، "شیشکادور"، "شیوه سل" در بخش "سویینا به تی" تکرار می‌شود و در روستای "بی شاد" که با اسلحه دوشکانه گلوله باران می‌شود و خساراتی

از هنگامیکه دامنه جنگ ارتجاعی توسط رژیم به کردستان گشاده شد، سیاست رژیم در تشدید سرکوب و ترس زحمتکشان و سرکوب و ترس زحمتکشان از هیچ شیوه جنایتکارانه‌ای فروگذار نمی‌کند هر روز تعداد بیشتری از زحمتکشان خلق کرد را به خاک و خون می‌افکنند. در ادامه همین سیاستها روز ۲۷ مردادماه گذشته از پایگاه "میرشاوا" روستای "کویلی" در بخش "نهلین" را خمپاره باران کرد و کودک ۱۳ ساله‌ای

سردشت



اخبار جنبش توده‌ای

به زحمتکشان وارد می‌آید و تمهیدی از احاطه روستاها از زمین می‌رود.

- روزاول شهریورماه مزدوران رژیم روستاهای "نهلونه" و "میوه‌لسی" در بخش "گهورک" را خمپاره‌باران نمود و خسارات مالی فراوانی به زحمتکشان وارد آمد، در روستای "نهلونه" ۵۰ راس از احشام مردم این روستا تلف گردید. اخیراً مزدوران مستقر در پایگاه‌های مسیر جاده سردشت - مهاباد چندین روستا را خمپاره‌باران نموده و خسارات مالی زیادی با هالی منطقه نیز وارد آمده است.

- روز ۱۸ شهریورماه مزدوران رژیم مستقر در پایگاه‌های "دوله‌تو" واقع در بخش "سویسنایه‌تی" مسیر رفت و آمد کاروانچیان را خمپاره‌باران نموده و دو تن از آنان که اهل روستای "هدلسوی" بودند مجروح می‌گردند.

طی سال جاری برای خمپاره‌باران تیراندازی و کمین‌گذاری مزدوران علیه کاروانچیان تعدادی از آنها جان خود را از دست داده و با توسط این جنایتکاران غارت شده و متحمل خسارات شده‌اند.

میریوان

زحمتکشان روستای "ماسی‌شهر" واقع در بخش سرشیو-میریوان روز ۱۹ مرداد ماه در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم به داخل پایگاه مزدوران رفته و پس از چند ساعت موفق به آزاد کردن یکی از اهالی می‌شوند. شب همان روز مزدوران روستا را محاصره می‌کنند و دو تن از اهالی را در حالیکه چشمهایشان را می‌بندند با ضرب و شتم همراه خود می‌برند، زحمتکشان این روستا طی چند سال گذشته همواره علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم مبارزه نموده و در مقابل فشار و تهدید و اعراب مردوران رنگارنگ رژیم تسلیم نشده‌اند. - بدنبال ناکامی رژیم اریاس

سربازگیری در کردستان، اخیراً مزدوران جمهوری اسلامی، زحمتکشان روستاهای "نژمار"، "سرنژمار"، "نی"، "گورگه‌بی" واقع در بخش "شامیان" و "آوارگان جنگی" مستقر در این روستاها را به زور وادار نموده‌اند که شبها برای آنها نگرانی بدهند، زحمتکشان این روستاها باید با اتحاد دومبارزه خود علیه مزدوران و سربازان زدن از نگرانی اجباری این سیاست رژیم رانیز با شکست مواجه سازند.

- رژیم جمهوری اسلامی که پس از ۷ سال سرکوب مستمردر کردستان تمام می‌شود و جنایتکارانه و فدخلتی خود را تجربه کرده و در تمام عرصه‌ها ضواری در مقابل مبارزات توده‌های زحمتکش و پیشمرگان دلیران با شکست مواجه شده، امروز با کشیدن سیم خاردار به اطراف روستاها، و ایجاد حصار به دور آنها قصد دارد تا بر کنترل پلیسی خود افسزده و زحمتکشان را با محدودیت‌های بیشتری مواجه سازد. در همین رابطه مزدوران رژیم اخیراً اطراف روستای "نی" را با سیم خاردار محصور نموده‌اند، هرچند که این ساله اهالی زحمتکش روستا را با مشکلات فراوانی روبرو ساخته اما از هم اکنون شیز واضح است که این سیاست نیز با شکست مواجه خواهد شد.

- در تاریخ ۲۹ مردادماه زحمتکشان روستای "به‌رفرو" در بخش "شامیان" پس از صدور قطعنامه‌ای خواستار اخراج فرمانده پایگاه و یک جاش خود فروخته مستقر در پایگاه می‌شوند. اقدام این زحمتکشان در ادامه مبارزات و اعتراضات مستمری صورت گرفت که همواره علیه حضور نیروهای سرکوبگر و سیاستهای ضد خلقی آنها وجود داشته و این بار با اعتراض پیگیرانه خود موفق به اخراج دو مزدور فوق‌الذکر از پایگاه روستای "به‌رفرو" شدند.

- بحران همه‌جانبه و عمیق اقتصادی سیاسی آنچنان رژیم را در تنگنا قرار داده که حتی در حل ابتدائی‌ترین نیاز توده‌ها نیز ناتوان و عاجز مانده. اخیراً با توجه به شروع سال تحصیلی جدید اداره آموزش و پرورش میریوان با انتشار بخشنامه‌ای اعلام داشته است که رژیم هزینه تعمیر مدارس را بعهده نمی‌گیرد و دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان باید هزینه تعمیرات مدارس را خود برعهده

بگیرند، برای نمونه به دانش‌آموزان بخش شامیان ابلاغ گردیده که باید هر کدام چند روزی کار اجباری نموده و مدارس را تعمیر نمایند!

این سیاست که محدود به منطقه شامیان نبوده و به سیاست عمومی رژیم در همه شهرها و روستاهای کردستان تبدیل گشته است، انعکاس افلاک وورشکستگی مالی بیش از پیش رژیم است.

- در تاریخ ۷ شهریورماه مزدوران رژیم یکی از زحمتکشان روستای "گاگهل" را به رگبار بسته و او را بشهادت میرسانند جنایتکاران به منظور جلوگیری از اعتراض بستگان وی خانواده مقتول را به ارومیه انتقال می‌دهند. شایان ذکر است که مزدوران آزادی‌خواه خانواده مقتول را منوط به دادن رضایت در مورد این عمل جنایتکارانه نموده‌اند.

- چندی پیش مزدوران رژیم جمهوری اسلامی از پایگاه "گویزه‌کویه" در نزدیکی شهر مریوان وارد روستای گویزه‌کویه می‌شوند و دو تن از اهالی را که بین آنها اختلافاتی وجود داشته دستگیر و همراه خود می‌برند. زحمتکشان این روستا پس از آنکه از دستگیری این دو نفر مطلع می‌شوند دست به اعتراض زده و با حرکت دسته جمعی خود مزدوران مستقر در روستا را وادار به آزادی آنها می‌نمایند. - مزدوران رژیم جمهوری اسلامی خشونت و درندگی را از حد گذرانده‌اند و از هیچ جنایتی طی چند سال گذشته در کردستان فروگذار نمی‌کنند. اخیراً روستای "گوگچه" واقع در بخش سرشیو-میریوان محصور و با روش زحمتکشان این روستا با جنایتکاران رژیم بود. روز ۸ شهریورماه یکی از اهالی این روستا که از پختن نان برای مزدوران غارتگر سرباز زده بود مورد ضرب و شتم و حتی با سرکوبگران قرار می‌گیرد و به پایگاه برده می‌شود، اهالی این روستا به دفاع از وی در مقابل پایگاه تجمع می‌کنند و خواستار آزادی او می‌گردند.

فرمانده جنایتکار پایگاه به یکی از مزدوران دستور تیراندازی به سوی معترضین را می‌دهد اما تعدادی از سربازان با این حرکت مخالفت کرده و مانع تیراندازی می‌شوند، فرمانده مزدور در منتهای سبعیت اسلحه را از دست سرباز می‌گیرد و خود بیطرف مردم به دفاع شلیک می‌کند، دوش‌آوردن روستا زحمتکش و یک

افراد مذکور مرعوب تهدیدات آنها نشده و شرطه سرکوبگران را خنثی میکنند.

دیواندره

زحمتکشان روستای "سهول" در بخش "خورخوره" دیواندره پس از ۴ روز کوچ اجباری به روستای خود بازگشتند.

اهالی این روستا که توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی آواره روستاهای اطراف گشته بودند پس از آنکه بارها در برابر ادارات دولتی رژیم پاسدار سرمایه در شهرهای سنندج و دیواندره تجمع نموده و هیچگونه اعتنائی به درخواست آنها نشده بود، متحد و یکپارچه تصمیم بازگشت به روستای خود را در روز دوم شهریورماه به اجرا درآوردند.

حرکت متحدانه اهالی این روستا باید برای تمامی زحمتکشان کسبه از روستاهای خود کوچ داده شده اند سرمنشی باشد و قدرت خود را که در اتحادشان نهفته است بدرستی بشناسند.

شب ۵ شهریورماه سرکوبگران خلق کرد در دادگاه سیاستهای جنایتکارانه خود جوان ۲۰ ساله ای را در روستای "تازه" ثاوی مهجی خان" در بخش "قالقالی" به رگبار بسته و او را به قتل میرسانند.

مردوران رژیم برای تحمیل اهالی و فرار از اشتقام و خشم و نفرت زحمتکشان منطقه نسبت به این عمل ددمشانه اقدام به برقراری مقرری! برای خانواده مقتول نموده اند.

اشنویه

در تاریخ ۱۴ شهریورماه مردوران مستقر در پایگاه "پوش ثاوی" واقع در بخش "سی تهکان" به بهانه اینکه پیشمرگان در اخبارهای علوه روستا خود را مخفی کرده اند، انبارهای روستا را به آتش میکشند و خسارات مالی فراوانی به زحمتکشان وارد میسازند.

"قاش علیا" رفته و به یکی از زنان اهالی اهانت مینماید، مردم زحمتکش در برابر حرکت این مزدور به مقابله بر میخیزند. درهمین رابطه زحمتکشان روستای "قاش علیا و فلا" جهت اعتراض به عملکردهای مکرر این مزدور برای چندمین بار به شهر مهاجم میروند و به فرمانداری مراجعه مینمایند اما با بی اعتنائی دست اندرکاران رژیم مواجه میشوند.

در تاریخ ۲۹ مردادماه ایادی رژیم جمهوری اسلامی شوراها و برخی از مناطق "چوم مهجی خان"، "شامات" و "مه حال" را به شهر میاندوآب فراخوانده و درخواست نموده اند که شوراها و این مناطق مردم را تشویق نمایند که رژیم را از نظر مالی یاری رسانند! لازم به یادآوریست روز ۱۵ شهریورماه، جاشهای خود فروخته به روستاهای "زیسوه" و "گومه زیان" حمله کرده و پس از ضرب و شتم اهالی مبلغ ۲۸ هزار تومان از دسترنج زحمتکشان را به غارت میبرند.

سنندج

جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی که از مبارزات زحمتکشان بخش بهرپله ی سارل "به تنگ آمده و از استمرار آن دچار وحشت شده اند، مداوما روستاهای این منطقه را تحت فشار و ارباب و تهدید قرار میدهند. ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۶ شهریورماه یک دسته از مزدوران به روستای "کلچیر" واقع در این بخش هجوم میبرند و با تیراندازی های پیاپی، مذبحخانه تلاش میکنند اهالی را وادار به ترک روستا کنند، اما زحمتکشان و سیمای دست به اعتراض زده و مردوران را به عقب نشینی وادار میسازند.

در تاریخ ۱۶ شهریورماه مردوران رژیم تعدادی از اهالی روستای "که فرا" ساو" واقع در بخش "سارال" را برای تحویل اسلحه! تحت فشار قرار میدهند. درهمین رابطه ۴ تن از زحمتکشان را به پایگاه برده و پس از ضرب و شتم و اراوان سبی در گرفتن اقرارآنها میمانند که اسرا دستگیر شده روبرار برسد و مردوران را چارآنها را آزاد میسازند.

روز ۱۸ شهریورماه مجدداً آنها را تحت فشار قرار میدهند که این بار نیز

اخبار جنبش توده ای

کودک خردسال به شدت زخمی میشوند، مردم ستمدیده روستا مجروحین را به روستا میبرند اما جنایتکاران رژیم مجروحین را به پایگاه "کانی کون" منتقل می کنند. زحمتکشان روستای "گوگجه" دسته جمعی بطرف پایگاه "کانی کون" راهپیمائی مینمایند و خواستار مجازات فرمانده میشوند.

مهاباد

جنایتکاران جمهوری اسلامی مستقر در روستای "شیخ نشین" واقع در بخش "تهرگه ور" در شب ۲۵ مردادماه هنگامی که زحمتکشان این روستا پس از انجام مراسم "عید قربان" از مسجد اعظم خانه ها خود بیرون رگبار میبندند، که در نتیجه دوش از اهالی که یک نفر از آنها خردسال بود جان خود را از دست میدهند.

مزدوران در کمال وقاحت روز بعد به زحمتکشان اعلام کردند که پیشمرگان مرتکب این عمل شده اند. اما روستائیان ستمدیده کردستان که طی ۷ سال ماهیت

این جنایتکاران را شناخته و تمام سیاستهای رژیم را تجربه کرده اند بخوبی میدانند و به کوششهای مزدوران سرپوشی است برای جنایت وحشیانه.

روز ۲۶ مردادماه سرکوبگران مستقر در پایگاه "میرشاه" واقع در بخش "مهنگور" زحمتکشان روستای "کارگی" را مورد یورش سیمای خود قرار داده و خانه های سه تن از زحمتکشان این روستا را پس از ضرب و شتم مردم به دفاع روستا به آتش کشیده و خسارات مالی فراوانی به این زحمتکشان وارد ساختند. مزدوران پایگاه مذکور قبلا نیز اهالی روستاهای "کوجان" و "چومل" را وادار به خروج از روستایشان کرده و خانه های این زحمتکشان را به آتش کشیده بودند.

اهالی زحمتکش روستای کارگی نیز هم اینک آواره کوهپای اطراف شده اند، لازم به یادآوریست که فرمانده جنایتکار این پایگاه چندی قبل به روستای

اخبار جنبش توده‌ای

کرمانشاه - منطقه دالاهو

اخیرا روستاهای "گورگ شاه‌رز"، "بنده‌ن"، "دی‌نر" در منطقه "کوران" مورد یورش‌های وحشیانه مزدوران قرار گرفته و به چپاول و غارت زحمتکشان می‌پردازند. جنایتکاران به این اعمال وحشیانه اکتفا نکرده و دست به آدم‌ربایی زده‌اند. در روستاهای "گورگ شاه‌رز" و "دی‌نر" دو تن از زحمتکشان را ربوده و تاکنون خبری از آنها در دست نیست.

در منطقه "سج‌شای" نیز به‌خانه فرد زحمتکشی تیراندازی نموده و خساراتی به آن وارد کرده‌اند.

چند خبر کوتاه از شهرهای کردستان

بانه

روزه شهریورماه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی یکبار دیگر شوراها را اسلامی ناحیه بانه را فراخواند تا آنها را در جهت برآوردن اهداف ارتجاعی خود فاعلتر نماید. در همین رابطه "ملا علی خرماهی" نماینده مجلس ارتجاع ناراضی بیتی خود را از عدم توفیق رژیم در ایجاد شوراهای اسلامی واقعی!! ابراز داشت و گفت: "رژیم می‌کوشد که به‌شوراهای واقعی را که توسط خود مردم برپا شده اند برچیند و شوراهای اسلامی واقعی را جان‌نشین آن سازد" سخنان این مزدور مبین وحشت رژیم ارتشکله‌ای غیبه‌ساز

وابسته به دولت و تشکلهای توده‌ایست. شوراها را که این شیاد از آن دم می‌زند ارگان جاسوسی و اختناق رژیم برای جلوگیری از رشد مبارزات و سرکوب جنبش انقلابی دمکراتیک خلق گذاشت.

سقز

کمبود نیروی انسانی رژیم برای قربانکاهای جنگ ارتجاعی، ایجاد جنایتکار حکومت ارتجاعی را واداشته تا به هر شیوه رذیله‌های اقشار مختلف را مسلح نموده و به خدمت جنگ درآورند. مزدوران رژیم اخیرا به کلیه کارمندان شهر سقز ابلاغ نموده‌اند که شبها در مسجد جامع حضور یا بندت از آنان برای حراست ادارات استفاده شود. این حرکت، اعتراض وسیع کارمندان شهر سقز را برانگیخته است.

مریوان

روز ۱۳ شهریورماه مزدوران رژیم در شهر مریوان و جاده‌های اطراف آن با یک برنامه از پیش طرح ریزی شده شروع به دستگیری جوانان می‌نمایند تا آنها را به جبهه‌های جنگ ارتجاعی روانه کنند. تعدادی از جوانان قبل از دستگیری به کمک زحمتکشان موفق می‌شوند از چنگ مزدوران بگریزند.

روزی بعد هنگامیکه ۲۰۰ تن از جوانان دستگیر شده را به قصد اعزام به مراکز آموزشی عجب‌شیر روانه می‌کردند، در مسیر راه بیش از ۱۷۰ نفر از آنها موفق به فرار می‌شوند.

روز ۱۷ شهریورماه نیروهای سرکوبگر در مسیر سقز - مریوان اقدام به کنترل و بارداری و ترمینال ها نموده و تعدادی جوان را دستگیر و توسط ۳ مینی بوس همراه چند مرد در روانه ارومیه می‌کنند. در مسیر حرکت و در سردی‌های

روستای ماموخ از توابع سنندج جوانان دستگیر شده مینی بوسها را متوقف می‌سازند و دسته جمعی فرار می‌کنند. کوشش مزدوران در دستگیری مجدد آنها بی‌ثمر میماند زیرا که با حمایت زحمتکشان منطقه تعدادی از آنها به نقاط امن پناه می‌برند و تعدادی خود را به پیشمرگان انقلابی خلق کرد معرفی می‌نمایند.

چند خبر از:

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

پیرانشهر

در تاریخ ۸ شهریورماه روستاهای حومه پیرانشهر مورد یورش هواپیماهای عراقی قرار گرفت و تلفات و خساراتی بسیار آورد. در این یورش وحشیانه روستاهای "نهمه‌جی"، "قلاتره‌شه"، "بادین شای"، "کس‌کس"، "زیبوه"، "کونه‌لاجان"، "کله‌کهن" هدف بمباران راکت قرار گرفتند.

در روستای "بادین شای" دوشن کشته و یک نفر در روستای "قلاتره‌شه" به شدت مجروح گردید. در روستای "لاوین" یکی از زحمتکشان جان خود را از دست داد و یک نفر دیگر مفقود اثر شده است.

در روستاهای "کونه‌لاجان و زیبوه" خسارات فراوانی به اهالی وارد آمد و در روستای "کله‌کهن" خرمنهای متعلق به زحمتکشان این روستا طعمه حریق ناشی از بمبارانها شد. بدنبال این حملات مردم ستم‌دیده روستاهای مذکور آواره کوهها و دشتها شده‌اند.

در ادامه سیاستهای جنگ امروزانه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، مناطق "کاشی رتی"، "درگرده"، "محور" و "دول نه‌بی" "قلاتره‌ش"، "زیبوه" مورد تهاجم بمباران

نخستین پیروزی خلق ویتنام گرامی باد



دوم سپتامبر ۱۹۴۵ مصادف با پیروزی خلقی است که در پرتو مبارزات خونبارش تحت رهبری طبقه کارگر بر علیه امپریالیستهای غارتگر، آزادی و دمکراسی را برای ویتنام به ارمغان آورده، پیکار عظیم توده‌های زحمتکش ویتنام برای حاکمیت بر سرخود و خویشتن با صلابت و استواری کم نظیری سالیان متمسکادی ادا به یافت و با بیرون راندن اشغالگران ژاپنی و سرنگونی دولت دست نشانده‌ای که به خلق ویتنام تحمیل گشته بود نخستین مرحله از پیروزی برای طبقه کارگران کشور تحقق یافت.

کارگران و دهقانان ویتنام برای رهائی از سلطه امپریالیسم، کسب استقلال و پایان دادن به غارت استثمارگران، جنگ انقلابی توده‌ای را که توسط حزب کمونیست رهبری میشد علیه میلیتاریستهای ژاپنی برپا داشتند.

رزم مسلحانه‌ای که توده‌های زحمتکش آغاز کردند پایه‌های ارتش خلق را بنیان نهاد و با آزادسازی مناطق، نطفه‌های حاکمیت توده‌ای بسته شد.

با اوج گیری مبارزات کارگران و زحمتکشان، حزب کمونیست فراخوان قیام عمومی علیه دولت دست نشانده امپریالیست‌ها را در اوت ۱۹۴۵ و در شرایطی که گسستگی و ناتوانی حکومت به اوج خود رسیده بود اعلام داشت.

حکومت انقلابی کارگران و دهقانان حکومتی که محصول قیام قهرآمیز توده‌ها

بود در دسامبر ۱۹۵۴ قدرت را در دست گرفت و بدین سان ست‌ترین و ضعیف‌ترین حلقه جبهه جهانی امپریالیستی در ویتنام شکاف برداشت و برای نخستین بار در تاریخ جنبش‌های رهاشی بخش انقلابی، کشوری کوچک و مستعمره به قوی‌ترین قدرت امپریالیستی پیروز گردید.

در اوایل سپتامبر، هنگامیکه توده‌های زحمتکش ویتنام انقلابی سرگرم برگزاری جشنهای استقلال بودند، سپاهیان چینی کمینتان از شمال و نیروهای امپریالیسم انگلستان از جنوب به بهانه نابود کردن سربازان ژاپنی، انقلاب و خلق ویتنام را آماج حمله قرار دادند.

امپریالیسم فرانسه نیز در دسامبر ۱۹۴۶ به صف متجاوزین کمینتان و مزدوران انگلیسی پیوست.

شهادت گسترده امپریالیست‌ها در راستای منافع عمومی آنها و جلوگیری از رشد و تکامل دمکراتیک ویتنام بود.

خلق قهرمان ویتنام به رهبری حزب کمونیست با جنگ انقلابی و قهرمانانه خود به دفاع از حاکمیت انقلابی و دستاوردهای انقلاب خویش برخاست و در جریان نبردهای عادلانه و حماسی که سالها بطول انجامید سرانجام با تسخیر "دین بین فو" در ۷ مارس ۱۹۵۴ پوز امپریالیسم فرانسه را به خاک مالید.

پس از شکست فاجعه بار امپریالیسم فرانسه، امپریالیسم آمریکا برای سلطه غارتگرانه خود بر سرکوب انقلاب، وارد عرصه کارزار گردید.

تجاوز امپریالیسم آمریکا به ویتنام انقلابی، صفوف کارگران و زحمتکشان را در این کشور فشرده تر ساخت و حزب کمونیست ویتنام به رهبری هوشی مین کبیر بیش از پیش قدرتمندتر گردید. کارگران و دهقانان و زحمتکشان شمال و جنوب تحت رهبری حزب با ایثار و فداکاری - های بیشمار خود را فصل نوینی را در تاریخ مبارزات خلق ویتنام گشودند و امپریالیسم آمریکا، سرکرده امپریالیسم جهانی را با شکست مواجه ساختند و اردوی انقلاب جهانی را تقویت نمودند.

انقلاب ویتنام تجلی اراده و وحدت پرولتاریا علیه بورژوازی جهانی است.

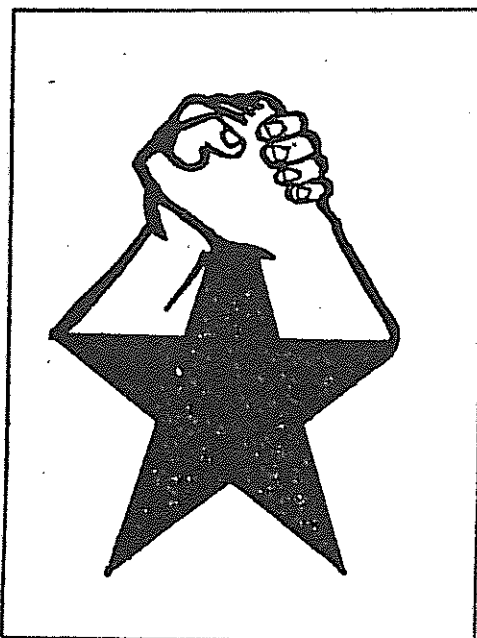
انقلاب ویتنام نمایشگر قدرت آن طبقه‌ای است که در قلب استثمارگران هراس افکنده و برشمار می‌نقشه‌های خائشان و توطئه‌های رنگارنگ بورژوازی خط بطلان میکشد.

امپریالیسم اما، بشابه ماهیت تجار و زکات را نه خود، هرکجا که توده‌های انقلابی برای کسب حقوق دمکراتیک و رهائی ازستم را استثمار بپا خواسته‌اند به دخالت آشکارا پرداخته و مذبوحانه تلاش نموده است تا آنها را منکوب سازد.

اگر چه در مدتها قبل از انقلاب نیکاراگوئه و تخریب در امور داخلی، توسط باندهای سیاه و ارتجاعی سازماندهی در همین رابطه و برای جلوگیری از تعمیق انقلاب نیکاراگوئه انجام میشود.

اما تجار و بیه نیکاراگوئه انقلابی بدون شک، همانطور که نمونه‌های تاریخی ویتنام و کوبا نشان داده است، حاملی جز شکست مکرر نخواهد داشت.

با الهام از درسهای انقلاب ویتنام و پیکار رگبری تجار پکراشیهای مبارزات توده‌های زحمتکش و حزب قدرتمندش که مظهر آگاهی پرولتاریای رزمنده است، مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را جهت برقراری جمهوری دمکراتیک توده‌ای شدت بخشیم.



چند خبر از :

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

افکنشهای رژیم عراق قرار گرفت و خسارات مالی و جانی برای زحمتکشان ببار آورد از جمله روستاهای "بادین شاولی" و نه سنجی "۵ تن مجروح شدند و یک نفر جان خود را از دست داد.

ساعت ۶ با بمباران ۱۲ شهریور ماه نیز بازار شیخ در شهر پیرانشهر هدف بمب افکنشهای عراقی قرار گرفت و خسارات مالی زیادی ببار آورد. روز ۱۳ شهریور ماه نیز منطقه "سهرکوره" پیرانشهر بمباران گردید و اهالی محبوس به ترک شهر گردیدند.

از جمله دو نفر از اهالی مجروح گردیدند و تعدادی از احشام محله "دارسه" - بران" از بین رفت.

در همین روز روستاهای بخش "خاومیرش" هدف آتش توپخانه رژیم عراق قرار گرفت و یکی از زحمتکشان روستای "بیلو" جان خود را از دست داد و

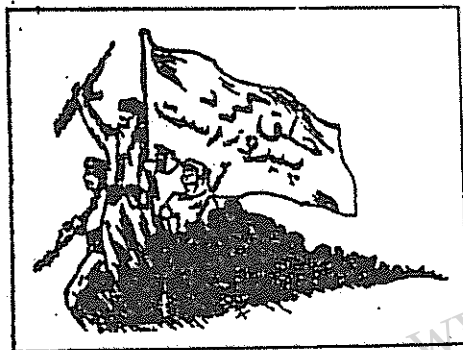
مهاباد

روز ۱۸ شهریور ماه روستای "کوسه چهرز" واقع در منطقه شاربیران مورد تهاجم بمب افکنشهای عراقی قرار گرفت و در اثر این بمباران هوایی یک کوردک ۱۲ ساله جان خود را از دست داد و ۵ نفر دیگر به سختی مجروح گردیدند. همچنین بسیاری از اماکن مسکونی ویران و متحمل صدمات گردید.

روز ۹ شهریور ماه بر اثر بمبارانهای بی دربی توسط رژیم عراق جوان ۱۴ ساله ای در منطقه شاربیران واقع در محور ارومیه - مهاباد جان خود را از دست داد و سه تن دیگر مجروح شدند. بر اثر بمباران ۶ ساختمان مرغداری در در همین منطقه ۳ تن از کارگران مجروح گردیدند.

مریوان

روزهای ۱۷ و ۱۸ شهریور ماه هواپیماهای عراقی محله های "دارسه پیران" و "چوارباخ" را بمباران کردند که بر اثر آن خساراتی به اهالی وارد گردید.



غنائیم بدست آمده

۸۱۱	جنگ افزار انفرادی
۹۱	انواع نارنجک
۱۰	بی سیم
۵۶۳۵۰	انواع فشنگ
۳۳۲	خشاب
۱۴	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۶۶	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۶	بیوسن قریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

تلفات دشمن

۲۷۵	کشته و زخمی
۳۳	اسرای دشمن
۲۹	خودروی منهدم یا مصادره شده
۱۱	سلاحهای منهدم شده
*	مهمات منهدم شده

۸۰۰ گلوله خمپاره - ۱ تریلر و بیش از ۳۰ هزار فشنگ، انواع مختلف جنود یک ماهه عملیات پیشمرگان خلق کورد

۲۷ مرداد تا ۲۷ شهریور

عملیات پیشمرگه

۱۲	کمین و کنترل جاده
۴	مین گذاری
۳۰	مقابله در مقابل پورش رژیم
۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۴	خلع سلاح پایگاه
۳۰	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۶۰	حمله به پایگاهها
۷۴۰	جمع

۲۴	شهدای پیشمرگه
۵	اهالی بی دفاع

سهرگه و توبی بروننه و هی شور شگپرانده ی گه لی کورد



گرامی باد خاطره

شهادای شهریور ماه سازمان

در کردستان

- * یعقوب تقدیری (امیر)
- * طهمورث اکبری
- * جمیل یخچالی
- * شهریارنا هید
- * احسن نا هید
- * ناصر سلیمی
- * مصطفی شمس الدینی
- * قاسم معروفی
- * ابوبکر آرمان
- * محمدتقی فرومند (هامیون)
- * جواد کارشی
- * انورا عظمی
- * رشید یزدان پناه (سکو)
- * بیژن جنتی
- * مرتضی خدا مرادی
- * سعیده کریمان
- * بهزاد شهلانی



پیاد صمد بهرنگی

ارس ، ارس ، ارس ، ارس ای خون
ارس ، لهیب جنون
ارس ، ارس ، ارس ای خوف
ارس ، تلاوت مرگ
چگونه با او ۵۵۵۵۵

شعله کشید و جوانه های امید به هستی
واقعی دردشای نوین رهائی انسان که
زندگی و مرگ صمدنویس بخش آن بود را
با رو ساخت ، به نحوی که صمد در جان و دل
میلیونها و نسلها ریشه دواند و جاری
گشت .

راز جاودانگی صمد نیز در همین است
که عناصر اندیشه های او جز پویا و آفرینند
در صفحه ۸

ارس صمد را به کام خود فرو کشید و
قلب صمد بهرنگی ، آموزگار انقلابی ،
نویسنده و یکی از پایه گذاران ادبیات
بالنده در ایران در قعر رودخانه زتیش
باز ایستاد . مرگ جانور صمد که با خود
توده های محروم شهرها و روستاها ، روشن
فکران و هنرمندان انقلابی و کودکان
باهره و و کهنه پوش را در سوگ برد اما
آتش اندیشه های او در جان و دل رنج دیدگان

اخباری از جنبش توده ای

در صفحه ۱۵

سرکوب ! سقوط یا نجات ارتجاع

قهرمانان مردم ایران خواه درخشید .
روزی که توده های مبارز و انقلابی با
جانشانی ها و استکارات انقلابی خود ،
جنبش دمکراتیک فدا مپریالیستی سال
۵۷ را چندین گام به جلو سوق دادند . در
این روز ششم و کینه فروخته کارگران
در صفحه ۱۲

شهریور ماه نیز در تاریخ اخیس
مبارزات توده های زحمتکش ایران
با داور و رویدادهای مشخص و مهمی است که
هیچگاه از خاطره نخواهد رفت ۱۷۰ شهریور
سال ۵۷ (جمعه خوشین) از جمله روزهای
تاریخی و فراموش ناشدنی است که بهر
تاریخ مبارزات خونین و

برخی ملاحظات

کمونیست یا اکونومیست ؟

زمانی بسیار دور و چیزهای نزدیک به
یک قرن پیش اکونومیست های نابروسی
نظیر مارتینف ها استدلال میکردند که
شرایط مبارزه سیاسی کارگران آماده
نیست و کارگران هنوز از درک مسائل
سیاسی بدورند باید آنها را حول مهمترین
خواسته های اقتصادی تسبیح کرد و فعالیتها را
لیبرالها محنه کردن سیاست باشند .
امروز کسانی پیدا شده اند که خود را
کمونیست می خوانند ولی نظریه
اکونومیستی مارتینف ها را تعمیق می
بخشند و کوشی به رنحو کشده میخواهند از
مارتینف هم سبقت بگیرند . کسانی که
در صفحه ۱۳

رادیو

صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد



خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد

در صفحه ۲۱